

امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه

اسماعیل خان احمدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۴/۲۴

فصلنامه آفاق امنیت / سال پنجم / شماره پانزدهم - تابستان ۱۳۹۱

چکیده

نوشتار حاضر متأثر از نقش امنیت در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیچیدگی شرایط، فراوانی متغیرها، تنوع تهدیدها، وجود چالش‌های فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای و داخلی و تعدد بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای است. با توجه به ناکارآمدی راهبردهای امنیتی مکاتب موجود، نویسنده درصدد است ابعاد امنیت را بر مبنای راهبرد امنیتی و با الگوی علمی رایج در مکاتب امنیتی بررسی کند. این نوشتار که نتیجه طرحی پژوهشی است، به لحاظ هدف، تحقیقی - کاربردی، به لحاظ سطح تحلیل برخوردار از ماهیتی توصیفی - تحلیلی و از نظر رویکرد و طبقه‌بندی روش، متکی به روش کتابخانه‌ای است. داده‌های مورد نیاز از راه مطالعات کتابخانه‌ای به روش فیش‌برداری گردآوری شده است. در فرایند تحقیق به دو سؤال اصلی پاسخ داده می‌شود: راهبرد امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه چیست؟ مبانی، چارچوب و اصول امنیت در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه چیست؟ بر این اساس شاخص‌هایی چون ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین امنیت، مرجع امنیتی و نظریه‌های امنیتی (امنیت برای چه کسی یا چه چیزی، امنیت در مقابل چه کسی یا چه چیزی، امنیت در چه بستر یا جهتی، امنیت در چه سطح یا میزانی) ملاک و معیار محقق برای جمع‌آوری اطلاعات به منظور ارائه پاسخی منطقی و مستدل به سؤال‌های تحقیق است. ابعاد امنیت از منظر نهج البلاغه ظرفیتی پنج‌گانه برای نظام سیاسی اسلام مهیا می‌کند که در مبحث نتیجه‌گیری به آن اشاره شده است.

واژگان کلیدی

راهبرد امنیت، اصول امنیت، ارزش‌ها، آرمان‌ها، مرجع امنیت، تهدید

۱. دانشجوی دوره دکتری دانشگاه دفاع ملی

مقدمه

پیچیدگی رفتار انسان که به پیچیدگی، تلاطم، آشوب‌زدگی و تعاملات اجتماعی منتهی شده درک مسائل را بیش از پیش دشوار کرده است. در چنین شرایطی هیچ تصمیم مناسبی بدون داشتن درک و تصور صحیح از موقعیت و محل قرار گرفتن تحلیلگر و تصمیم‌گیر اتخاذ نخواهد شد. در واقع، آنچه به عنوان نظریه امنیتی مطرح است بیانی توضیحی از یک موقعیت، یعنی نسبت صاحب رویکرد با خود و غیر خود است. سطوحی از این موقعیت‌شناسی بسیار بنیادی به جنبه‌های هستی‌شناسانه یا معرفت‌شناسانه باز می‌گردد و سطوحی دیگر به لایه‌های عینی ترجیحات زندگی بشر نزدیک‌تر می‌شود که همان سطح تماس حوزه سیاست، اجتماع و امنیت است. نظریه نسبت به مردم، سرزمین، تهدید، دوست، دشمن، جنگ و قدرت و... می‌تواند حلقه موقعیت‌شناسی را تکمیل کند، لذا هر چه اجزای تصورات و ادراکات یک شخص یا یک نظام در تبیین موقعیت هماهنگ‌تر و منجسم‌تر باشد، مدیریت تصمیم‌گیری واقعی‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود.

حضرت علی (ع) در نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌ها توجه کارگزاران را به این مهم معطوف کرده‌اند. از سوی دیگر، در نظریه امنیتی از منظر این مصحف شریف، به تفاوت‌ها و تمایزاتی اشاره شده که به نوعی تعارض در منافع و ارزش‌هاست که در مطالعات امنیت بسیار حائز اهمیت است. از جمله آنها عبارت‌اند از: تهدید، همکاری، رقابت و خصومت که بر مبنای چگونگی نگرش به تمایزات شکل می‌گیرد و این قاعده در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، ملی و فراملی جریان دارد. با نگاهی اجمالی به این منبع گرانبها می‌توان این ابعاد را استنباط کرد. هم‌چنین با بهره‌گیری از این راهبرد می‌توان طرح الگوی منظم برای تبیین و توضیح مسائل، سامان دادن به افکار و هماهنگی رفتار را ارائه کرد که لوازم سیاست‌گذاری عمومی^۱ و مدیریت کلان یک نظام سیاسی است و مهم‌ترین اثرش تقویت انسجام، استمرار و تداوم نظام است. گستردگی مفهوم امنیت در یک نظریه به وسعت موضوعاتی است که می‌تواند در حوزه مطالعات و سیاست‌های امنیتی قرار گیرد. این مسائل امنیتی مرکز ثقل و معیارهای اساسی و مهمی هستند که تحلیلگران و سیاست‌گذاران به آن توجهی خاص دارند. صاحب‌نظران مکاتب مختلف با توجه به نگرش حاکم بر افکارشان در عصر حاضر دچار سطحی‌نگری

و قشری‌نگری شده و لذا بخش‌های محدود و خاص مسائل امنیتی را مد نظر قرار داده‌اند، اما این مهم در نهج‌البلاغه به صورت جامع و کامل (جهان‌شمول و زمان‌شمول) مورد توجه قرار گرفته است.

در نگاهی کلی با توجه گستردگی موضوع امنیتی در این مصحف، راهبرد امنیتی در نظام سیاسی از منظر این منبع را می‌توان در چارچوب حوزه‌های زیر تنظیم و سازماندهی کرد: نخست، مبانی اندیشه تفسیری امنیت در اسلام شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و اصول روش‌شناختی؛ دوم، شناخت و تحلیل مفهوم امنیت و ارکان امنیت شامل ارزش‌ها، آرمان‌های بنیادین، مرجع امنیت، ابزارهای تأمین امنیت، تأمین‌کننده امنیت، هدف امنیت و تهدید امنیتی؛ سوم، تبیین رویکردهای امنیتی نسبت به متغیرهای مرتبط با امنیت در نظام سیاسی اسلام هم‌چون حاکمیت، قدرت، حکومت، مردم، جنگ، صلح، دشمن، محیط زیست و حقوق بشر. با بررسی سه حوزه فوق، طراحی و تدوین ساختار نظریه امنیتی نظام سیاسی اسلام امکان‌پذیر خواهد شد.

بیان مسئله

هر نظام سیاسی مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه خویش را ایجاد، حفظ و ارتقای امنیت ملی^۱ می‌داند و با هر گونه تهدید که امنیت آن را به مخاطره اندازد، مقابله می‌کند. در واقع، دفع خطرها و تهدیدها توسط هر نظامی امری معقول و پسندیده است. چنانچه نظام‌ها قادر به تحقق این مهم نباشند، تحقق اهداف میسر نمی‌شود. لذا بررسی مقوله امنیت در هر نظام سیاسی در سربلوه اهداف آن نظام قرار دارد. از آنجا که اسلام به انسان و سعادت او اهمیت می‌دهد، به این مقوله بیش از سایر مکاتب توجه نشان داده و به عنوان تکلیفی الهی کارگزاران نظام سیاسی را موظف به تحقق آن کرده است. بی‌شک نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم، مهم‌ترین و ارزشمندترین منبع در علوم اسلامی است که به این موضوع اهتمام خاص دارد. این کتاب شریف ابعاد مختلف پدیده‌های زندگی اجتماعی انسان را مورد توجه قرار داده است. یکی از این ابعاد بسیار مهم موضوع امنیت و راهبردهای امنیتی است که جایگاه آن در نظام سیاسی اسلام و نقش آن در سرنوشت جهان اسلام و سعادت بشر بالاست و از ابعاد و زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله پیش‌رو با تمسک به این منبع بی‌نظیر به تبیین و توصیف امنیت می‌پردازد و

با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی موضوع راهبرد امنیت در نظام سیاسی اسلام را از منظر نهج‌البلاغه در حوزه‌های امنیت برای چه کسی، در برابر چه کسی و چه چیزی، امنیت از چه طریق و چه ابزاری، امنیت در چه بستری، و امنیت در چه سطحی مورد بررسی قرار می‌دهد و در فرایند توصیف و تبیین راهبردهای امنیتی به ابعاد امنیت از لحاظ سیاسی، روانی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی اشاره خواهد کرد.

رویکردی نظری به راهبرد

در رویکرد نظری به راهبرد سه موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. تعریف راهبرد

واژه راهبرد^۱ برای مدتی طولانی به منظور بیان دانش و هنر یک فرمانده کل قوا به کار می‌رفت. بر این مبنا، راهبرد فقط با عده‌ای محدود از مردم جهان ارتباط می‌یافت. به مرور زمان و طی دوران‌های تکاملی، ثابت شد انتقال این فن و هنر به صورت حرفه و شغل موروثی کارساز نخواهد بود و باید قشرهای بیشتری از مردم جامعه را با آن مرتبط کرد (بوفر، ۱۳۶۶: ۲۶-۲۵). واژه راهبرد در فرهنگ آکسفورد این‌گونه تعریف شده است: «مهارت رهبری و هدایت یک جنگ، هنر جنگیدن، مدیریت یک ارتش یا چند ارتش در یک عملیات، هنر اعزام یا استقرار نیروهای پیاده، کشتی‌ها یا هواپیماها برای دستیابی به برتری مکانی و زمانی بر دشمن و شرایط جنگیدن به طور دلخواه» (کلاری، ۱۳۸۶: ۴۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲. عناصر اصلی راهبرد

راهبرد نظامی از سه عنصر تشکیل می‌شود: (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۴: ۸-۶)

اهداف: هدف نظامی رسالت یا وظیفه‌ای ویژه است که همه تلاش‌ها و منابع نظامی برای تحقق آن به کار گرفته می‌شود.

راه‌ها: راه‌ها و روش‌های متفاوت به کارگیری نیروی نظامی و بررسی اقداماتی است که برای رسیدن به هدف‌های نظامی طراحی و از سوی برخی استراتژیست‌ها، مفاهیم راهبرد نظامی خوانده می‌شوند.

ابزارها: ابزار به معنی منابع نظامی، نیروی انسانی، قدرت مادی، پول و ثروت، پشتیبانی و ... است که برای انجام مأموریت ضروری است.

۳. گام‌های تدوین راهبرد

مراحل پیش‌بینی شده در فرایند مدیریت راهبرد^۱ به گونه‌ای دقیق و به وضوح از یکدیگر تفکیک نمی‌شوند. استراتژیست‌ها این فرایند را در فضایی بسته تدوین نمی‌کنند. اغلب بین سطوح گوناگون سازمان نوعی رفت و برگشت وجود دارد. برخی سازمان‌ها هر شش ماه یک بار به صورت رسمی گرد هم می‌آیند تا درباره مأموریت سازمان، تهدیدها و فرصت‌ها، نقاط ضعف، راهبردها، هدف‌های بلندمدت، سیاست‌ها و عملکردها تجدید نظر کنند (دیوید، ۱۳۷۹: ۴۴ و ۲۴) که این تدوین طی گام‌های زیر صورت می‌گیرد: تعیین مأموریت،^۲ بررسی عوامل محیط داخلی،^۳ تعیین اهداف خارجی،^۴ تعیین اهداف و طراحی و انتخاب راهبرد (اسنایدر، ۱۳۷۵: ۷-۵).

اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی راهبرد امنیت از منظر نهج‌البلاغه به چهار دلیل زیر حایز اهمیت است و ضرورت می‌یابد:

اول، ناکارآمدی رویکردهای عقلانیت‌گرایی،^۵ انتقادی،^۶ سازنده‌گرایی،^۷ مکتب کپنهاگ،^۸ جهان سوم و نابرابری^۹ در برقراری امنیت نسبی برای جامعه بشری؛ دوم، بیداری جهانی و گرایش مردم جهان به اسلام به عنوان مکتبی که قادر است نیازهای انسان را در همه ابعاد محقق کند و انتظار آنها از صاحب‌نظران و کارشناسان این مکتب برای پاسخگویی به نیازهایشان از جمله نیازهای امنیتی؛

1. Strategic Management Process
2. Mission Statement
3. Internal Environmental Analysis
4. External Environmental Analysis
5. Rationalism
6. Critical
7. Constructivism
8. Copenhagen school
9. Inequality

سوم، منطبق نبودن راهبردهای امنیتی مکاتب موجود با ارزش‌های حاکم بر جمهوری اسلامی و اهداف متعالی این نظام؛

چهارم، این دلیل که از مهم‌ترین دلایل به شمار می‌آید در قسمتی از آیه ۳ سوره مائده آمده است. خداوند می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ» (من امروز کامل گردانیدم برای شما دینتان را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و پسندیدم برای شما که اسلام دین شما باشد (مائده/ ۳). این آیه شریفه اسلام را دینی جهان‌شمول و زمان‌شمول و این مکتب را تأمین‌کننده همه نیازهای انسان در همه ابعاد می‌داند. به طور خلاصه این ضرورت را می‌توان چنین بیان کرد: ناکامی سایر مکاتب در برقراری امنیت، و گرایش عمومی جهان به اسلام به عنوان مکتبی سعادت‌بخش و تکلیفی که اسلام در این خصوص برعهده کارشناسان این حوزه نهاده است بهترین ملاک اهمیت و ضرورت تلقی می‌شود.

پیشینه تحقیق

هرچند بشر از ابتدای خلقت و شروع زندگی اجتماعی خود همواره به موضوع امنیت توجهی ویژه داشته است، اما تدوین نظریات، رویکردها، آموزه‌ها و مکاتب امنیتی به صورت کلی در مجموعه ادبیات و مطالعات امنیتی پس از جنگ جهانی دوم توسعه یافته است. لذا در خصوص بهره‌گیری از دیدگاه‌های انسان کاملی هم‌چون حضرت علی (ع) و از کتاب سعادت‌بخشی هم‌چون نهج‌البلاغه در این خصوص با توجه به حاشیه قرار گرفتن اسلام در صحنه سیاسی جهان فعالیت و اقدامی چشم‌گیر صورت نگرفته است. اما با شکل‌گیری جمهوری اسلامی و نگرش کارگزاران نظام به این مرجع، فعالیت‌هایی پراکنده صورت گرفته است.

اهداف تحقیق

برای نوشتار حاضر اهداف گوناگونی متصور بود که اهم آنها عبارت‌اند از:

۱. کمک به سیاست‌مداران برای تحقق امنیت در جامعه براساس مبانی اسلام
۲. کمک به زمینه‌سازی برای توسعه فعالیت‌های پژوهشی در این حوزه
۳. تکمیل نظریات ارائه‌شده در گذشته درباره موضوع فوق



سؤال‌های تحقیق

با توجه به گستردگی موضوعات مورد بحث در حوزه امنیت و نظر به پراکندگی این مباحث در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های حضرت علی (ع) برای جمع‌آوری اطلاعات دو سؤال اصلی و متناسب با هر سؤال سؤال‌های فرعی طرح شد:

سؤال اصلی اول: «مبانی، چارچوب و اصول امنیت در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج‌البلاغه چیست؟»

سؤال‌های فرعی: در راستای ارائه پاسخی منطقی و مستدل به سؤال اصلی تحقیق، سؤال‌های فرعی زیر طرح شد: ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین امنیتی از منظر نهج‌البلاغه چیست؟ مرجع امنیتی از منظر نهج‌البلاغه چیست؟ ابزار تأمین‌کننده امنیت از منظر نهج‌البلاغه چیست؟ اهداف و غایت امنیت از منظر نهج‌البلاغه چیست؟ ابعاد امنیتی از منظر نهج‌البلاغه چیست؟ قدرت، حاکمیت و حکومت از منظر نهج‌البلاغه چه جایگاهی دارد؟ نهج‌البلاغه به جنگ، صلح و دشمن چه نگاهی دارد؟ عدالت از منظر نهج‌البلاغه در زندگی فردی و اجتماعی انسان چه جایگاهی دارد؟ تهدیدهای امنیتی از منظر نهج‌البلاغه چیست؟

سؤال اصلی دوم: «امنیت راهبردی در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج‌البلاغه چیست؟»

سؤال‌های فرعی: این سؤال با طیف سؤال‌های فرعی زیر پاسخ داده می‌شود: امنیت برای چه کسی یا چه چیزی باید برقرار شود؟ امنیت در مقابل چه کسی یا چه چیزی باید برقرار شود؟ امنیت در چه بستر یا جهتی باید برقرار شود؟ امنیت در چه سطح و میزانی باید برقرار شود؟ امنیت در چه ابعادی باید برقرار شود؟

ارزش‌ها و آرمان‌ها

انسان به طور کلی ارزش‌ها و آرمان‌هایی دارد که برای حفاظت از آنها تلاش می‌کند. این ارزش‌ها و آرمان‌ها با توجه به نگرش‌ها و شرایط مختلف متفاوت است. در نگاهی کلی، ارزش‌ها «چیزی است که بقای آن پرداخت هزینه‌ها را توجیه می‌کند» (دانشگاه دفاع ملی، نظریه امنیتی، ص ۱۴۴). این ارزش‌ها فراگیر و بانفوذند و تمام امور را تحت تسلط خود دارند. اگر چه آرمان‌ها از اهداف و مقاصدند، اما بیش از قابل دسترسی



بودن، به اهداف و رفتار جهت می‌دهند و تنها قابلیت تقرب دارند (همان). بدون شک نهج‌البلاغه به عنوان کامل‌ترین کتاب هدایت پس از قرآن کریم، متضمن انواع ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که قابلیت توجیه و تفسیر امنیتی دارند. از منظر نهج‌البلاغه همانند سایر مکاتب، این ارزش‌ها و آرمان‌ها اعتبار و اهمیت یکسانی ندارند. ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین با توجه به خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها از منظر نهج‌البلاغه که در حوزه امنیتی بسیار حایز اهمیت‌اند، به شرح زیر است:

۱. ارزش‌های بنیادین^۱

شاخص‌های ارزش‌های بنیادین از منظر نهج‌البلاغه که در حوزه امنیتی بسیار اهمیت دارند، عبارت‌اند از:

الف) شاخص اسلامی بودن

نظام سیاسی اسلام، نظامی دارای هدف‌های^۲ متعالی و بر مبنای ایمان به خدای یکتا... و قوانین و مقرراتی است که تضمین‌کننده سعادت انسان است. لذا همه اقدامات در تمام ابعاد باید منطبق بر موازین اسلامی باشد. حضرت در اولین روز خلافت خود در خطبه ۱۵۲ در جمع مردم مدینه این شاخص را چنین تبیین می‌فرمایند:^۳ «هر کس جز اسلام دینی طلبد شقاوت او ثابت و ریسمان سعادتش بریده و سقوطش سهمگین و سخت خواهد بود و بازگشتش به اندوهی طولانی و عذابی سخت است» (خطبه ۱۵۲، فراز ۸). نظر به نقش این شاخص در ارزش‌های بنیادین در فرازی دیگر از همین خطبه حضرت خطاب به مردم چنین می‌فرمایند:^۴ «خدای تعالی شما را به اسلام اختصاص داد و برای اسلام برگزید، زیرا اسلام نشانی از سلامت است و مجموعه کرامت‌ها، خداوند تعالی راه و روش اسلام را برگزید و حجت‌های آن را روشن گردانید، از علمی آشکار و حکمتی که پنهان است (همان). حضرت در هشدار و نکوهش مردم کوفه نقش و جایگاه این شاخص را در سرنوشت انسان در فرازی از خطبه ۱۰۶ چنین

1 . Fundamental Values

2 . Ends

۳ . «... فَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا تَتَحَقَّقْ شِفْوَتُهُ وَ تَنْفِصِمِ عُرْوَتُهُ وَ تَعْظُمُ كِبْوَتُهُ وَ يَكُنْ مَأْبَهُ إِلَى الْحُزْنِ الطَّوِيلِ وَ الْعَذَابِ الْوَبِيلِ.»

۴ . «... اللَّهُ تَعَالَى حَخَّكُمْ بِالْإِسْلَامِ، وَاسْتَخَلَصَكُمْ لَهُ، وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ اسْمُ سَلَامَةٍ وَ جِمَاعُ كَرَامَةٍ، اصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى.»



ترسیم می‌کنند: ^۱ «حمد باد خداوندی را که اسلام را آشکار کرد و برای تشنگان آن راه ورود به آبشخورش را آسان گردانید و ارکانش را استواری بخشید تا کسی را یاری چیرگی بر آن نباشد و آن را امان قرار داد برای کسی که چنگ در آن زند و نشان صلح و آرامش برای کسی که بدان داخل شود. اسلام برهان است برای کسی که بدان سخن گوید و گواه است برای کسی که بدان دادخواهی کند و روشنایی است برای کسی که از آن روشنی طلبد و فهم است برای کسی که در آن تعقل کند و خرد است برای کسی که در آن تدبّر جوید و نشانه است برای کسی که در پی نشانه باشد و بینایی است برای کسی که عزیمت کارها کند و عبرت است برای کسی که پند گیرد و رهایی است برای کسی که تصدیقش کند و اعتماد است برای کسی که توکل کند و راحت است برای کسی که کارش را به خدایش واگذارد و سپر است برای کسی که شکیبایی ورزد. اسلام روشن‌ترین راه‌هاست و واضح‌ترین مذهب‌هاست. مرتفع است نشانه‌های او، تابناک است طریق او و تابان است چراغ‌های او. سبقت در میدان مسابقه‌اش ارجمند است و پایان مسابقه‌اش والا است. گردآورنده شهسواران است که برای ربودن جایزه بر یکدیگر پیشی گیرند. سوارکارانش بس ارجمندند. تصدیق آوردن راه روشن اوست و اعمال نیک و پسندیده علامت اوست. مرگ پایان مدت و دنیا جای مسابقت و مکان دوانیدن اسب‌های آن قیامت است و بهشت جایزه کسی است که در مسابقت پیش افتد» (خطبه ۱۰۶، فراز ۵-۱).

ب) شاخص حرکت بر محور ولایت

نظام سیاسی اسلام نظامی مبتنی بر ایمان به خدای یکتاست. مسیر سعادت و تعالی انسان در این نظام ولایت و امامت است. این رمز سعادت و رستگاری علاوه بر آیات قرآن کریم در روایات هم تأکید شده است. حضرت این شاخص را در فرازی از خطبه ۱۵۲ در سال ۳۵ هـ خطاب به مردم مدین چنین تبیین می‌فرمایند: ^۲ «امامان از

۱ . «.. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ نُورِدَهُ وَ أَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَيَّ مَنْ غَالَبَهُ فَجَعَلَهُ آمَنًا لِمَنْ عَلَقَهُ وَ سَلَّمَ لِمَنْ دَخَلَهُ وَ بَرَّهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ وَ شَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ عَنْهُ وَ نُورًا لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِهِ وَ فَهْمًا لِمَنْ عَقَلَ وَ لُبًّا لِمَنْ تَدَبَّرَ وَ آيَةً لِمَنْ تَوَسَّسَ وَ تَبَصَّرَ لِمَنْ عَزَمَ وَ عِبْرَةً لِمَنْ اتَّعَطَّ وَ نَجَاةً لِمَنْ صَدَّقَ وَ ثِقَةً لِمَنْ تَوَكَّلَ وَ رَاحَةً لِمَنْ فَوَّضَ وَ جَنَّةً لِمَنْ صَبَرَ فَهِيَ أَعْلَى الْمَنَاهِجِ وَ أَوْضَحُ الْوَلَايِحِ مُشْرِفُ الْمَنَارِ مُشْرِقُ الْجَوَادِّ مُضِيءُ الْمَصَابِيحِ كَرِيمُ الْمَضْمَارِ رَفِيعُ الْغَايَةِ جَامِعُ الْحَلَبَةِ مُتَنَافِسُ السَّبْقَةِ شَرِيفُ الْفَرَسَانِ التَّصْدِيقِ مِنْهَاجُهُ وَ الصَّلَاحَاتِ مَنَارُهُ وَ الْمَوْتِ غَايَتُهُ وَ الدُّنْيَا مَضْمَارُهُ وَ الْقِيَامَةِ حَلَبَتُهُ وَ الْجَنَّةِ سَبْقَتُهُ» .
 ۲ . «.. إِنَّمَا الْأَنْتَمَةُ قِيَامُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، وَ عَرَفَاؤُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ، وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ» .

سوی خدا کار آفریدگان او را به سامان آورده و از جانب او بر مردم سروری یافته‌اند. به بهشت نرود مگر کسی که آنها را شناخته باشد، و آنها او را شناخته باشند. به دوزخ نرود مگر کسی که آنها را انکار کرده باشد و آنان نیز او را انکار کرده باشند» (خطبه ۱۵۲، فراز ۷). با توجه به نقش این شاخص در حوزه امنیت در فرازی از خطبه ۱۴۶ شاخص فوق را این‌گونه ترسیم می‌کنند:^۱ «جایگاه امام و ولایت همانند رشته‌ای است که مهره‌ها را در آن کشند، و او آنها را در کنار هم جای داده است. اگر آن رشته بگسلد، مهره‌ها پراکنده شوند و هر یک به سویی روند، آن سان که گردآوردن‌شان هرگز میسر نشود» (خطبه ۱۴۶، فراز ۱). حضرت شاخص فوق را به عنوان محور سعادت، کمال و رستگاری انسان در فرازی از خطبه ۱۰۵ در روزهای اول خلافت‌شان در جمع مردم مدینه این‌گونه ترسیم کرده‌اند:^۲ «هر آینه آنچه بر عهده امام است، این است که آنچه را که خداوند به او فرمان داده به جا آورد مانند رساندن مواعظ و سعی در نیکخواهی و احیای سنت پیامبر و اقامه حدود خدا بر کسانی که سزاوار آن هستند و ادای حق هر کس از بیت‌المال. پس به تحصیل علم بشتابید، پیش از آنکه کشته‌اش خشک شود و پیش از آنکه به خود پردازید و از برگرفتن ثمره علم از صاحبان حقیقی‌اش محروم مانید. خود مرتکب کارهای ناپسند مشوید و دیگران را از ارتکاب آن بازدارید، زیرا شما مأمور شده‌اید که نخست خود از منکر بپرهیزید و سپس دیگران را از ارتکاب آن نهی کنید» (خطبه ۱۰۵، فراز ۱۰).

ج) شاخص حفظ کرامت، حقوق و آزادی‌های انسان

نظام سیاسی اسلام مبتنی بر ایمان به خداوند است و بر محوریت توجه به حفظ کرامت انسان و محترم شمردن حقوق و آزادی‌های مشروع انسان تلاش می‌کند. این حقوق در ابعاد مختلف مورد توجه رهبران جامعه و کارگزاران حکومتی است. حضرت این شاخص را در فرازی از خطبه ۲۱۶ در جمع رزمندگان در اردوگاه صفین این‌گونه

۱. «... مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ، يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ، فَإِذَا انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ وَ ذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِخِذَافِيرِهِ أَبَدًا».

۲. «... إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حَمَلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَغُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَ الْإِجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ وَ الْإِحْيَاءُ لِلسُّنَّةِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مُسْتَحْقِّهَا وَ إِضْدَارُ السُّهُمَانِ عَلَى أَهْلِهَا فَبَادِرُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِ تَضْوِيعِ نَبْتِهِ وَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُشْغَلُوا بِأَنْفُسِكُمْ عَنْ مُسْتَنَارِ الْعِلْمِ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ وَ أَنْهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَنَاهُوا عَنْهُ فَإِنَّمَا أَمْرُنُمْ بِالنَّهْيِ بَعْدَ التَّنَاهِي».



ترسیم می‌کنند: ^۱ «این فریضه‌ای است که خدا ادای آن را بر هر یک از دو طرف مقرر داشته و آن را سبب الفت میان ایشان و عزت و ارجمندی دین ایشان قرار داده است. پس رعیت صلاح نپذیرد مگر آنکه والیان صلاح پذیرند و والیان به صلاح نیابند، مگر به راستی و درستی رعیت. زمانی که رعیت حق خود را نسبت به والی بگذارد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا کند، حق در میان آنها عزت یابد و پایه‌های دین‌شان استواری گیرد و نشانه‌های عدالت برپا شود و سنت‌های پیامبر (ص) در مسیر خود افتد و اجرا گردد و در پی آن روزگار به صلاح آید و امید به بقای دولت قوت گیرد و دشمنان مأیوس شوند» (خطبه ۲۱۶، فراز ۶-۷).

د) شاخص اتکا به آرای عمومی (بیعت)

نظام سیاسی اسلام بر پایه ایمان به خداوند و اتکا به آرای عمومی مردم است و در راستای مهیا کردن سعادت انسان به نظریات و آرای آنها توجه خاص دارد، لذا تا مردم شایستگی و لیاقت حکومت امام را نداشته باشند امام به هیچ وجه تأکید بر تشکیل حکومت ندارد. این شاخص را حضرت در فرازی از خطبه ۳ در زمان شکل‌گیری سقیفه چنین تبیین می‌فرمایند: ^۲ «سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده که اگر انبوه آن جماعت نبود یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی ستمکشان خاموشی نگزینند، افسارش را بر گردنش می‌افکنم و رهایش می‌کردم و در پایان با آن همان می‌کردم که در آغاز کرده بودم و می‌دیدید که دنیای شما نزد من از عطسه ماده بزی هم کم‌ارج‌تر است» (خطبه ۳، فراز ۱۸-۱۶).

۱ . . . «وَأَعْظِمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقِّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَحَقِّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي، فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ، فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ، وَعِزًّا لِذِيْنِهِمْ، فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ، إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ، وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ، فَإِذَا أَدَّتْ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَ أَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَ اعْتَدَلَتْ مِعَالِمُ الْعَدْلِ، وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ، فَصَلِحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ، وَ طَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ، وَ يَنْسَتُ مَطَامِعَ الْأَعْدَاءِ.»

۲ . . . «أما وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَ بَرَاءَ النَّسَمَةَ لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَا لِعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارَّوْا عَلَى كِظَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبِ مَظْلُومٍ لِأَلْقِيَّتِ حَبْلِهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقِيَّتِ آخِرُهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا، وَ لَ الْفَيْتُمُ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطِهِ عَنِّي.»



ه) شاخص استقلال^۱

یکی از ارزش‌های مورد تأکید نظام سیاسی اسلام استقلال حکومت اسلامی از کفار و بیگانگان است. لذا علاوه بر آیات قرآن که بر این امر تأکید دارد، حضرت علی (ع) در خطبه و نامه‌ها بارها بر این ارزش تأکید کرده‌اند. حضرت در فرازی از نامه ۳۱ به امام حسن (ع) در بازگشت از نبرد صفین این شاخص را چنین تبیین می‌کنند:^۲ «برده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده...» (نامه ۳۱، فراز ۸۵). استقلال از منظر نهج‌البلاغه جنبه‌های مختلفی دارد که در بررسی ابعاد امنیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

و) شاخص وحدت^۳ و همبستگی

نظام سیاسی اسلام نظامی بر پایه ایمان به خداوند است و از راه وحدت و همبستگی امت اسلامی محقق می‌شود. حضرت در نامه به ابوموسی اشعری در حادثه تلخ حکمیت علاوه بر تبیین این شاخص، محور تحقق آن را چنین ترسیم می‌فرمایند:^۴ «پس بدان در امت اسلام هیچ‌کس مانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد (ص) و به انس گرفتن آنان به همدیگر از من بیشتر دل بسوزاند» (نامه ۷۸، فراز ۳). حضرت این شاخص را در نامه عهدنامه ۷۴ یمن خطاب به قبیله ربیع و یمن برای صلح چنین خطاب می‌کنند:^۵ «همه متحد بوده و به خاطر سرزنش یا سرزنش‌کننده‌ای یا خشم خشمناکی یا خوار کردن بعضی یا دشنام دادن قومی این پیمان را نمی‌شکنند بر این پیمان همه... استوارند و عهد و پیمان الهی نیز بر آنان واجب شده است...» (نامه ۷۴، فراز ۳ و ۲). نظر به نقش این شاخص در تحقق سعادت انسان در خطبه ۳۹ با تبیین پراکندگی و تفرقه به عنوان تهدید، دین را به عنوان عامل وحدت چنین معرفی می‌کنند:^۶ «آیا دین ندارید که شما را گرد آورد؟» (خطبه ۳۹، فراز ۱).

1. Independence

۲ . «... وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا.»

3. Unity

۴ . «... أحرصَ على جماعة أمة محمد (ص) و ألفتها مني.»

۵ . «... و آئنتهم يد واحدة على من خالف ذلك و تركه، أنصار بعضهم لبعض، دعوتهم واحدة، لا ينقضون عهده مالمعنتبه عاتب، و لا لغضب غاضب، و لا لاستدلال قوم قوما، و لا لمسبة قوم قوما على ذلك شاهدتهم و عائب هم و سفيتهم و عالمهم و حليمهم و جاهلهم، ثم إن عليهم بذلك عهد الله و ميثاقه إن عهد الله كان مسؤولا...»

۶ . «... أما دين يجمعكم»



ز) شاخص عدالت همه‌جانبه و فراگیر

نظام اسلامی نظامی بر پایه ایمان به خداوند است و اهداف متعالی آن از طریق اقامه قسط و عدل محقق می‌شود. این نظام فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، امکانات و اختیار مادی و معنوی را در راستای مقابله با چالش‌هایی که سعادت انسان را تهدید می‌کنند از جمله رفع تبعیض، ایجاد امکانات عادلانه برای همه، بنیان نهادن اقتصادی کارآمد و عادلانه، ایجاد و توسعه رفاه عمومی، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت به کار می‌گیرد. حضرت در خصوص این شاخص اساسی امنیت در حکمت ۴۷۶ به زیاد ابن ابی، استاندار فارس، چنین خطاب می‌کنند: ^۲ «عدالت را بگستران و از ستمکاری بپرهیز که ستم رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد...» (حکمت ۴۷۶). با توجه به نقش این شاخص در امنیت پایدار و زندگی مسالمت‌آمیز، حضرت در حکمت ۴۳۷ در پاسخ سؤال یکی از مسلمانان می‌فرمایند: ^۳ «عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود. پس عدالت شریف‌تر و بهتر است» (حکمت ۴۳۷). نظر به نقش این شاخص در تثبیت و ارتقای امنیت پایدار حضرت در روز دوم حکومت در خطبه‌ای در مدینه در خصوص ایجاد گسترش این شاخص چنین می‌فرمایند: ^۴ «به خدا سوگند بیت‌المال تاراج‌شده را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، اگرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم بر او سخت‌تر است» (خطبه ۱۵). حضرت با توجه به نقش این شاخص در حوزه امنیت در نامه ۵۳، مالک اشتر را چنین مورد خطاب قرار می‌دهند: ^۵ «در عدالت فراگیرترین...» (نامه ۵۳، فراز ۲۰). این شاخص در ایجاد و توسعه امنیت پایدار چنان نقشی دارد که حضرت در حق حیوانات هم رعایت و در این خصوص

1. Equity

۲ . «اسْتَعْمَلِ الْعَدْلَ، وَ احْذَرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ؛ فَإِنَّ الْعُسْفَ يُوَدُّ بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ.»

۳ . «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا، وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ، فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا.»

۴ . « وَ اللَّهُ لَوْ وَجَدْتَهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتَهُ، فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ.»

۵ . «... وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ...»

چنین می‌فرمایند: ^۱ «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌هاست به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم و پوست جوی را از مورچه‌ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد» (خطبه ۲۲۴، فراز ۱۰).

ح) شاخص مبارزه با ظلم و حمایت از مظلومان و مستضعفان

نظام اسلامی نظامی است که بر پایه ایمان به خداوند و مبارزه با ظلم و ستم و حمایت از حقوق مظلومان و مستضعفان شکل گرفته است و همواره در جهت احیای این حرکت عظیم مجاهدت می‌کند. حضرت علت پذیرش حکومت را در فرازی از خطبه ۱۳۱ در شهر کوفه تحقق همین امر بیان می‌کنند و می‌فرمایند: ^۲ «بار خدایا، تو می‌دانی که آن کارها که از ما سر زد، نه برای هم‌چشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد...» (خطبه ۱۳۱، فراز ۳).

ط) شاخص حفظ بنیان خانواده

نظام سیاسی اسلام نظامی است که بر مبنای ایمان به خداوند و حفظ بنیان خانواده به منظور محقق کردن مقام قرب الهی انسان و گسترش امنیت و آرامش در جامعه برقرار شده است. نظر به نقش این شاخص در توسعه و ارتقای امنیت پایدار، حضرت در حکمت ۳۵۲ خطاب به یکی از یاران خود این هدف متعالی را این‌گونه ترسیم کرده‌اند: ^۳ «بیشتر کارت را به زن و فرزندت اختصاص مده، زیرا اگر آنها دوستان خدا باشند، خداوند دوستان خود را ضایع نگذارد» (حکمت ۳۵۲). حضرت راه امنیت و آرامش در خانواده را به عنوان کارآمدترین و اساسی‌ترین نهاد ایجاد و توسعه امنیت

۱ . «وَ اللَّهُ لَوْ أَعْطِيَتِ الْأَقْلَامِ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَاكِهَا عَلَىٰ أَعْنَ أَعْصَىٰ اللَّهُ فِي نَمَلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَافَعَلْتَهُ، وَ إِنِّي دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا، مَا لِعَلِيٍّ وَ لِنَعِيمٍ يَفْنَىٰ، وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَىٰ عُوْدُ بِاللَّهِ مِنْ سِبَاتِ الْعَقْلِ، وَ قُبْحِ الزَّلْزَلِ، وَ بِهِ نَسْتَعِينُ.»

۲ . «... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مَتَا مُنَافَسَةٍ فِي سُلْطَانٍ، وَ لَا التَّمَّاسِ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْحُطَامِ، وَ لَكِنْ لِنَزْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ نَظْهِرِ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامَ الْمَعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ.»

۳ . «لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَ وَدِّكَ، فَإِنَّ يَكُنْ أَهْلُكَ وَ وَدِّكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ.»



پایدار تنظیم تعداد فرزندان می‌دانند. در حکمت ۱۴۱ می‌فرمایند: ^۱ «کم بودن تعداد زن و فرزند یکی از دو آسایش است» (حکمت ۱۴۱).

۲. آرمان‌های اساسی

این مصحف شریف علاوه بر توجه خاص به ارزش‌ها به منظور ایجاد و توسعه امنیت پایدار در سطوح مختلف جامعه به آرمان‌ها اهتمام خاص دارد. بخشی از این آرمان‌ها به شرح زیر است:

الف) شاخص تشکیل امت واحد جهانی

نظام سیاسی اسلام نظامی است بر مبنای ایمان و توکل بر خداوند که در راستای سعادت انسان و تحقق مقام قرب الهی او موظف به تشکیل امت واحد جهانی است. حضرت در راستای اهمیت این شاخص و تحقق راهکار در نامه به ابوموسی اشعری او را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهند: ^۲ «و بدان که هیچ‌کس آزمندتر از من به گرد آمدن امت محمد (ص) و الفت و مهربانی آنها با یکدیگر نیست» (نامه ۷۸، فراز ۳). هم‌چنین حضرت در فرازی از خطبه ۱۹۸ اسلام را به عنوان محور تحقق این شاخص چنین معرفی می‌کنند: ^۳ «خداوند اسلام را به گونه‌ای استحکام بخشید که پیوندهایش نگسلد و حلقه‌هایش از هم جدا نشود و ستون‌هایش خراب نگردد» (خطبه ۱۹۸، فراز ۱۳).

ب) شاخص سعادت بشریت

نظام سیاسی اسلام نظامی است که بر مبنای ایمان و توکل بر خداوند و در راستای سعادت انسان و تحقق مقام قرب الهی او شکل گرفته است. حضرت این شاخص را در فرازی از خطبه ۵۵ چنین تبیین می‌فرمایند: ^۴ «به خدا سوگند، هیچ‌گاه جنگ را حتی یک روز به تأخیر نینداختم مگر به آن امید که گروهی از مخالفان به من بپیوندند و به وسیله من هدایت شوند و با چشمان کم‌سوی خود پرتوی از راه مرا بنگرند و به راه آیند. چنین حالی را دوست‌تر دارم از کشتن ایشان در عین ضلالت، هر چند خود گناه خود به گردن گیرند» (خطبه ۵۵، فراز ۳).

۱ . « قَلَّةُ الْعِيَالِ إِحْدُ الْبَسَائِرِ ». .

۲ . « وَ لَيْسَ رَجُلٌ فَاعِلٌ أَحْرَصَ عَلَيَّ جَمَاعَةً أُمَّةً مُحَمَّدٍ (ص) وَالْفَتْهَا مِنِّي. » .

۳ . « ثُمَّ جَعَلَهُ لَا انْفِصَامَ لِعُرْوَتِهِ، وَ لَا فَكَّ لِخَلْقَتِهِ، وَ لَا انْفِصَامَ لِأَسَاسِهِ، وَ لَا زَوَالَ لِذَعَائِمِهِ. » .

۴ . « فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَعْطَمُ أَنْتَ لِحَقِّ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِي بِي وَ تَعْشُو إِلَيَّ ضَوْئِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَيَّ ضَلَالِيهَا وَ إِنْ كَانَتْ تَبُوءُ بَأْتَامِيهَا. » .

ج) شاخص نابودی ظلم و ستم در جهان

نظام سیاسی اسلام نظامی است بر مبنای ایمان و توکل بر خداوند که در راستای سعادت انسان و تحقق مقام قرب الهی او موظف به نابودی ظلم در سراسر جهان است. حضرت علی (ع) در فرازی از خطبه ۱۳۱ این شاخص را چنین تبیین می‌فرماید: ^۱ «به خدا، حق ستمدیده را از ستمگر می‌ستانم و مهار در بینی ستمگر خواهم کرد» (خطبه ۱۳۱، فراز ۲). در خطبه ۲۴ حضرت این شاخص را این‌گونه تبیین می‌فرماید: ^۲ «به جان خودم سوگند، در نبرد با کسی که مخالفت حق کند و طریق گمراهی سپرد، نه مداهنه می‌کنم و نه سستی...» (خطبه ۲۴، فراز ۱).

مرجع امنیت

قبل از پرداختن به مرجع امنیتی از منظر نهج‌البلاغه ابتدا ارائه تعریفی از مرجع امنیتی ضرورت دارد. مرجع امنیتی عبارت است از «مهم‌ترین چیزی که باید از تهدید مصون بماند» (ترتیب: ۱۳). در واقع، مرجع امنیت شاخصی مهم برای درک وضع امنیتی در هر سیستم مفروض است. مرجع امنیتی به شدت با ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین ارتباط دارد. صاحب‌نظران و کارشناسان این حوزه با توجه به اهداف و آرمان‌ها، نظام سیاسی مرجع امنیتی متفاوتی را معرفی کرده‌اند: در مکتب فردگرایی و نظریات امنیتی انسانی ^۳ مرجع امنیت متمرکز بر فرد است. در نظریات اسلامی نیز تعبیر «خليفة الله» دلیلی بر تقدم فرد و امنیت انسانی است. در امنیت اجتماعی، هویت و جامعه مرجع امنیت معرفی می‌شوند. اما نهج‌البلاغه که نگاهی کامل و جامع به سعادت انسان و جامعه دارد و تحقق سعادت و مقام قرب الهی انسان را همه‌جانبه می‌پندارد، به تمام مراجع امنیتی توجه دارد، با این تفاوت که رتبه هر مرجع امنیتی متناسب با وضعیت و شرایط تعیین می‌شود. حضرت مرجع امنیتی را فرد می‌داند. در خصوص این مرجع در خطبه ۲۷ که در ارتباط با سهل‌انگاری مردم در جهاد ایراد شد، چنین می‌فرماید: ^۴ «شنیده‌ام که یکی از آنها بر زن مسلمانی داخل شده و دیگری بر زنی از اهل ذمه و

۱ . «... وَ أَيْمُ اللَّهِ لِأَنْصَفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَ لَأَقُودَنَّ الظَّالِمَ بِخَرَامَتِهِ.»

۲ . «... وَ لَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَ حَابَطَ الْعَيَّ مِنْ إِذْهَانٍ وَ لَا إِيْهَانٍ.»

3 . Human Security

۴ . «... أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلَانِدَهَا وَ رُعْتَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِزْجَاعِ وَ الْإِسْتِرْحَامِ . . . فَلَوْ أَنَّ أُمَّراً مُسْلِماً مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَا مَا كَانَ بِهِمْ لَوْما بَلَّ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيراً فَيَا عَجَباً عَجَباً وَ اللَّهِ.»



خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌اش را ربوده است... اگر مرد مسلمانی پس از این رسوایی از اندوه بمیرد، نه تنها نباید ملامتش کرد بلکه مرگ را سزاوارتر است» (خطبه ۲۷، فراز ۵). در فرازی از خطبه ۱۹۸ دین اسلام را به عنوان مرجع امنیتی چنین معرفی می‌کنند: ^۱ «این اسلام دین خداست که آن را برای خود برگزید و به نظر عنایت خویش در آن نگریست و پرورش داد. بهترین آفریدگان خود را برای تبلیغ آن اختیار کرد و ستون‌های آن را بر بنیاد دوستی خود بر پای داشت و به عزت و غلبه او، دین‌های دیگر را خوار ساخت و با برافراشتن آن ملت‌های دیگر را فرو داشت. با گرمی داشت آن دشمنانش را پست کرد و با یاری کردن آن، معارضانش را فرو گذاشت. پایه‌هایش را محکم کرد تا ارکان گمراهی فرو ریزد» (خطبه ۱۹۸، فراز ۱۲). در خطبه ۱۱۹ امام جامعه را به عنوان مرجع امنیتی این‌گونه معرفی می‌کنند: ^۲ «من به منزله محور این آسیابم که در جای خود ثابت است و آسیاب به گرد آن می‌چرخد و اگر از جای کنده شود، گردش چرخ زبرین آشفته شود و سنگ زیرین از جای بشود» (خطبه، ۱۱۹، فراز ۳). در جایی مرجع امنیتی را اقتصاد و در جایی مجاهدت و تلاش می‌دانند که به دلیل محدودیت از ذکر آنها خودداری می‌شود

ابزار ایجاد و توسعه امنیت پایدار

در مکاتب مختلف با توجه به نگاهی که به امنیت دارند و نظر به مرجع امنیتی که باید از هر نوع تهدید مصون بماند، اقدام به تعریف و تعیین ابزار تأمین امنیت می‌کنند. نظر به نگرش خاص که دین مبین اسلام به انسان و جایگاه او در نظام خلقت دارد، ابزار تأمین امنیت در شرایط مختلف متفاوت است. در این بخش از نوشتار به چند ابزار ایجاد و توسعه امنیت پایدار از منظر این مصحف شریف اشاره می‌شود.

- نیروهای مسلح

حضرت در فرازی از نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر این ابزار را چنین تبیین کرده‌اند: ^۳

۱ . «تَمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينَ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ، وَ اصْطَنَعَهُ عَلَيَّ عَيْنِهِ، وَ اصْغَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ، وَ اَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَيَّ مَحَبَّتِهِ، اَدَلَّ الْاَعْدِيَانِ بَعْرَهُ وَ وَضَعَ الْمِلَلَ بِرَفْعِهِ، وَ اَهَانَ اَعْدَاءَهُ بِكِرَامَتِهِ، وَ خَذَلَ مُحَادِبِيهِ بِنَصْرِهِ، وَ هَدَمَ اَرْكَانَ الضَّلَالَةِ بِرُكْنِهِ.»

۲ . « وَ اِنَّمَا اَنَا قَطْبُ الرَّحَى تَدْوُرُ عَلَيَّ وَ اَنَا بِمَكَانِي، فَاِذَا فَارَقْتَهُ اسْتَحَارَ مَدَارُهَا، وَ اضْطَرَبَ ثَفَالُهَا.»

۳ . «... فَالْجُنُودُ بِاِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْاَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ اِلَّا بِهِمْ.»

«اما لشکرها به فرمان خدا دژهای استوار رعیت‌اند و زینت والیان. دین به آنها عزت یابد و راه‌ها به آنها امن گردد و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد» (نامه ۵۳، فراز ۴۳). هنگامی که جامعه با مشکلات اقتصادی مواجه و از آن ناحیه دچار تهدید شود، حضرت مرجع امنیت را تلاش و فعالیت اقتصادی می‌دانند و می‌فرمایند: ^۱ «و با کسی که این کار را بر عهده دارد، شرط می‌کنم که اصل مال را همان‌گونه که هست باقی گذارد و از ثمره آن هزینه کند، به شیوه‌ای که بدان مأمور و راهنمایی شده است. دیگر اینکه نهال‌ها و نخل‌های آن قریه‌ها را نفروشد تا به قدری فراوان شوند که شناختن نخلستان‌ها برای کسی که آنها را پیش از این دیده است، دشوار باشد» (نامه ۲۴، فراز ۵). هنگامی که جامعه درگیر جنگ نامنظم یا منظم است، حضرت ابزار امنیت را حفظ اطلاعات می‌دانند و می‌فرمایند: ^۲ «بدانید حقی که شما بر عهده من دارید، این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ» (نامه ۵۰، فراز ۲).

اهداف و غایت امنیت پایدار

هدف نهایی ^۳ و غایت امنیت در سیستم‌های بزرگ حفظ آرمان‌ها و ارزش‌هاست. در رویکرد عقلانیت‌گرایی که ماهیت مادی و فیزیکی دارد، هدف امنیت کسب قدرت است. در رویکرد واقع‌گرایانه که نگاهی آرمان‌گرایانه به امنیت دارد، هدف امنیت برقراری صلح است، اما در مکتب حیات‌بخش اسلام که رویکردی الهی به خلقت انسان دارد، هدف امنیت رشد و کمال انسان و جامعه، ارتقای فضایل و معنویات و پیشرفت و توسعه همه‌جانبه است. این هدف راز و رمز سعادت انسان تلقی می‌شود، لذا هدف و غایت امنیت در این مکتب با سایر مکاتب تفاوت ماهوی دارد. از منظر نهج‌البلاغه، محور تحقق این هدف متعالی رهبران جامعه اسلامی هستند. بر همین اساس حضرت می‌فرمایند رهبر جامعه اسلامی باید از صفات ناپسند مبرا باشد تا سعادت جامعه اسلامی محقق شود. بعضی از این صفات و اهداف در خطبه ۱۳۱ چنین معرفی شده است: ^۴ «شما دانسته‌اید که سزاوار نیست کسی که بر ناموس‌ها و جان‌ها و غنیمت‌ها و

۱ . «... وَ يَشْتَرُ عَلَى الَّذِي يَجْعَلُهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتْرَكَ الْمَالَ عَلَى أَصُولِهِ، وَ يُنْفِقَ مِنْ ثَمَرِهِ حَيْثُ أَمَرَ بِهِ وَ هُدَى لَهُ، وَ أَنْ لَا يَبِيعَ مِنْ أَوْلَادِ نَخِيلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَ دِيْنَهُ حَتَّى تُشْكَلَ أَرْضُهَا غِرَاسًا»
 ۲ . «... لَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَا مَخْتَجِرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ»

3. Ultimate Goal

4 . «وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدَّمَاءِ وَ الْمَغَانِمِ وَ الْأَعْكَامِ وَ إِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلِ، فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتَهُ، وَ لَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُ مُبْجَهْلُهُ، وَ لَا الْجَانِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَانِهِ، وَ لَا الْخَائِفُ لِدَوْلٍ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ، وَ لَا الْمُرْتَبِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحُقُوقِ، وَ يَقِفُ بِهَا دُونَ الْمَقَاتِعِ وَ لِأَلْمُعْطَلِ لِلسَّنَةِ فَيُهْلِكُ الْأُمَّةَ»



احکام مسلمین ولایت دارد و پیشوایی مسلمانان بر عهده اوست، مردی بخیل و تنگ چشم باشد تا در خوردن اموال‌شان حریص شود و نیز والی نباید نادان باشد تا مردم را با نادانی خود گمراه سازد و نباید که ستمکار باشد تا روزی آنان را ببرد و نباید از گردش ایام بترسد تا گروهی را همواره بر گروه دیگر برتری دهد و نه کسی که در داوری رشوه می‌ستاند، تا رشوه‌گیرنده حقوق مردم را از میان برد و در بیان احکام و حدود الهی توقف کند و نه کسی که سنت را فرو می‌گذارد تا امت را به هلاکت اندازد» (خطبه ۱۳۱، فراز ۳).

ابعاد امنیت پایدار

نهج‌البلاغه با توجه به نگاهی که به سعادت انسان دارد ابعاد امنیت را مورد توجه قرار داده است که در این بخش با بهره‌گیری از این سند راهبردی اسلام به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود:

۱. امنیت سیاسی^۱

حضرت امنیت سیاسی را در خطبه ۱۳۱ چنین توصیف می‌کنند: «بار خدایا، تو می‌دانی که آن کارها که از ما سر زد، نه برای هم‌چشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم. بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستمدیده‌ات در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد» (خطبه ۱۳۱، فراز ۲). در نامه ۶۹ راهکار نهادینه شدن این بُعد در جامعه را چنین معرفی می‌کنند:^۲ «خشم خود فرو خور و هنگام قدرت، گذشت نمای و در وقت غضب بردبار باش و چون توانایی یافتی گناه دیگران را عفو کن تا عاقبت نیک از آن تو بود» (نامه ۶۹، فراز ۶).

۲. امنیت اجتماعی^۳

امنیت اجتماعی را حضرت در حکمت ۳۹۳ این‌گونه تبیین می‌کنند:^۴ «موافقت با مردم در خلق و خویشان سبب ایمنی از آسیب‌شان است» (حکمت ۳۹۳).

1. Polcy Security

۲ . «... وَأَكْظِمُ الْغَيْظَ وَتَجَاوَزُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَأَصْفَحَ مَعَ الدَّوْلَةِ تَكُنْ لَكَ الْعَاقِبَةُ، وَأَسْتَصْلِحْ كُلَّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ، وَلَا تُضَيِّعَنَّ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ، وَ لِيُرِّ عَلَيْكَ أَثْرٌ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ.»

3 .Social Security

۴ . «مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ أَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ.»

۳. امنیت اقتصادی^۱

این بُعد در نامه حضرت علی (ع) به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان، چنین آمده است:^۲ «حوزه فرمانروایت طعمه تو نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو، و از تو خواسته‌اند که فرمانبردار کسی باشی که فراتر از توست. تو را نرسد که خود هر چه خواهی رعیت را فرمان دهی یا خود را درگیر کاری بزرگ کنی، مگر آنکه دستوری به تو رسیده باشد. در دستان تو مالی است از اموال خداوند، عز و جل، و تو خزانه‌دار هستی تا آن را به من تسلیم کنی. امید است که من برای تو بدترین والیان نباشم والسلام» (همان، نامه ۵). در نامه ۵۱ خطاب به کارگزاران مالیاتی این بُعد چنین ترسیم شده است:^۳ «پس خود، داد مردم را بدهید و در معاشرت با آنان انصاف را فرو مگذارید و برای برآوردن نیازهایشان حوصله به خرج دهید. شما خازنان رعیت هستید و وکیلان امت و سفیران امامان. کسی را که نیازی دارد، در برآوردن آن درنگ نکنید آن سان که به خشم آید و او را از مطلوبش باز ندارید و برای گرفتن خراج، جامه تابستانی و زمستانی مردم را یا ستوری که با آن کار می‌کنند یا بنده آنها را بفروشید و هیچ‌کس را برای درهمی تازیانه نزنید و دست به مال هیچ‌کس، چه مسلمان و چه ذمی نبرید» (نامه ۵۱، فراز ۳).

قدرت، حاکمیت و حکومت

نظر به نقش و جایگاهی که این سه مؤلفه در ایجاد و تداوم و ارتقای امنیت پایدار در جامعه اسلامی دارند حضرت علی (ع) به آنها اهتمام ویژه دارند. در این قسمت به بخشی از توصیه‌های حضرت درباره این سه مؤلفه اشاره می‌شود.

۱. قدرت^۴

نگاه نهج‌البلاغه به قدرت با نگاه سایر مکاتب به قدرت متفاوت است. از نگاه نهج‌البلاغه،

1. Economy Security

۲. «وَ إِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَتَ فَيْرِعِيَّةً، وَ لَا تَخَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقَةٍ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ أَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تَسْلِمَهُ إِلَيَّ وَ لَعَلِّي أَنْ لَا أَكُونَ شَرًّا وَ لَا تَكَّ لَكَ، وَ السَّلَامُ.»

۳. كَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، وَ اضْبِرُّوا لِحَوَائِجِهِمْ، فَإِنَّكُمْ خَزَائِنَ الرَّعِيَّةِ، وَ وَكَلَاءَ الْأُمَّةِ، وَ سَفَرَاءَ الْأَيْمَةِ، وَ لَا تُحْسِمُوا أَحَدًا عَنْ حَاجَتِهِ، وَ لَا تُحْبِسُوهُ عَنْ طَلِبَتِهِ، وَ لَا تَبِيعَنَّ لِلنَّاسِ فِي الْخَرَاجِ كِسْوَةَ شَتَاءٍ وَ لَا صَيْفٍ وَ لَا دَائَةَ يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا وَ لَا عِبْدًا، وَ لَا تُضْرِبَنَّ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانِ دَرَاهِمٍ، وَ لَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُضَلًّا وَ لَا مُعَاهَدًا إِلَّا أَنْ تَجِدُوا فَرَسًا أَوْ سِلَاحًا يُعَدُّ بِهٖ عَلَى الْإِسْلَامِ.»

4. power



منشأ و نماد قدرت خداوند است و انسان به عنوان خلیفه الله در زمین از ناحیه خداوند از این قدرت برای رشد و تعالی خود و جامعه استفاده می‌کند. چنین نگاهی به قدرت نه تنها باعث هیچ مفسده‌ای نمی‌شود، بلکه رشد جامعه را تأمین می‌کند. حضرت این مؤلفه را چنین تبیین می‌کنند: ^۱ «استواری رأی با کسی است که قدرت و دارایی دارد. با روی آوردن قدرت روی آورد و با پشت کردن آن روی برتابد» (همان، حکمت ۳۳۴). در نامه ۶۱ خطاب به کمیل اهمیت و نقش این مؤلفه را در ایجاد امنیت در جامعه اسلامی چنین گوشزد کرده‌اند: ^۲ «تو به مثابه پلی شده‌ای که هر کس از دشمنانت بخواهد بر دوستانت تاخت آورد، از آن پل می‌گذرد. چگونه است که تو را توان هیچ کاری نیست و کس را از مهابت تو بیمی به دل نیست. مرزی را نتوانی بست و بر شوکت دشمن شکست نتوانی آورد. نه نیاز مردم شهر را برمی‌آوری و نه فرمانده خود را خشنود توانی ساخت» (نامه ۶۱، فراز ۲).

۲. حاکمیت^۳

حاکمیت در حکومت اسلامی از آن خداوند است و همه افراد از جمله پیامبر (ص) و ائمه معصومین و در عصر غیبت حاکمان اسلامی تابع خداوند هستند، لذا حکومت اسلامی^۴ حاکمیت قانون الهی است. جایگاه این مؤلفه چنین تبیین شده است: ^۵ «هر آینه آنچه بر عهده امام است، این است که آنچه را خداوند به او فرمان داده به جا آورد، چون رساندن مواعظ و سعی در نیکخواهی و احیای سنت پیامبر و اقامه حدود خدا بر کسانی که سزاوار آن هستند و ادای حق هر کس از بیت‌المال. پس به تحصیل علم بشتابید، پیش از آنکه کشته‌اش خشک شود و پیش از آنکه به خود پردازید و از برگرفتن ثمره علم از صاحبان حقیقی‌اش محروم مانید. خود مرتکب کارهای ناپسند

۱ . « صَوَابُ الرَّأْيِ بِالذُّلِّ يُقْبَلُ بِإِقْبَالِهَا، وَ يَذْهَبُ بِذَهَابِهَا. »

۲ . فَقَدْ صَرَّتْ جَسْرًا لِمَنْ أَرَادَ الْعَارَةَ مِنْ أَعْدَانِكَ عَلَى أَوْلِيَانِكَ غَيْرِ شَدِيدِ الْمَنْكِبِ، وَ لَا مَهْيَبِ الْجَانِبِ وَ لَا مَهْيَبِ الْجَانِبِ، وَ لَا سَادَّ ثَغْرَهُ، وَ لَا كَاسِرٍ لِعَدُوِّشُوكَهُ، وَ لَا مَعْنٍ عَنْ أَهْلِ مَضْرِهِ، وَ لَا مَجْزٍ عَنْ أَمِيرِهِ، وَ السَّلَامُ»

3. Rulership

4. Islamic Ruling

۵ . إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حَمَلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَغُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَ الْإِحْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ وَ الْإِحْيَاءُ لِلسُّنَّةِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مُسْتَحْقِّهَا وَ إِصْدَارُ الشُّهُمَانِ عَلَى أَهْلِهَا فَبَادِرُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِ تَصْوِيحِ نَبْتِهِ وَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُشْغَلُوا بِأَنْفُسِكُمْ عَنْ مُسْتَتَارِ الْعِلْمِ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَنَاهَوْا عَنْهُ فَإِنَّمَا أَمْرُكُمْ بِالنَّهْيِ بَعْدَ التَّنَاهِي.

مشوید و دیگران را از ارتکاب آن باز دارید، زیرا شما مأمور شده‌اید که نخست خود از منکر بپرهیزید و سپس دیگران را از ارتکاب آن نهی کنید.»

۳. حکومت^۱

حضرت جایگاه این مؤلفه را در ایجاد امنیت پایدار برای ارتقای مقام قرب الهی انسان چنین بیان می‌کنند:^۲ «و حال آنکه مردم را امیر و فرمانروایی باید خواه نیکوکار و خواه بدکار که مؤمن در سایه حکومت او به کار خود پردازد و کافر از زندگی خود تمتع گیرد. تا زمان هر یک به سر آید و حق بیت‌المال مسلمانان گرد آورده شود و با دشمن پیکار کنند و راه‌ها امن گردد و حق ضعیف را از قوی بستانند و نیکوکار بیاساید و از شر بدکار آسوده ماند» (خطبه ۴۰، فراز ۳-۱). در خطبه ۲۱۶ جایگاه حکومت دینی در تأمین امنیت در جامعه اسلامی را چنین تبیین می‌کنند:^۳ «و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا کند، حق میان آنها عزت یابد و پایه‌های دین‌شان استواری گیرد و نشانه‌های عدالت برپا گردد و سنت‌های پیامبر (ص) در مسیر خود افتد و اجرا شود و در پی آن روزگار به صلاح آید و امید به بقای دولت قوت گیرد و دشمنان مأیوس شوند» (خطبه ۲۱۶، فراز ۹-۸).

جنگ، صلح، دشمن

یکی از ابعاد اساسی در امنیت پایدار بُعد نظامی امنیت است که با سه شاخصه جنگ، صلح و دشمن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نظر به اینکه غفلت از این سه شاخص موجب بی‌ثباتی و ناامنی در ساختار سیاسی حکومت می‌شود، حضرت علاوه بر آنکه خودشان به صورت خاص به این مؤلفه اهتمام داشتند، همواره توجه کارگزاران حکومت را به سمت این شاخص‌ها سوق می‌دادند.

۱. جنگ^۴

حضرت جایگاه معنوی جنگ و جهاد و نقش آن را در نظام سیاسی اسلام به عنوان

1. Ruling

۲ . «وَ إِنَّهُ لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَعْمَلُ فِي أَمْرِهِ الْمُؤْمِنُ، وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ، وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ، وَ يَجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَ يُقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ، وَ تَأْمَنُ بِهِ السَّبِيلُ، وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ.»

۳ . «وَ أَدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَ اعْتَدَلَتْ مِعَالِمُ الْعَدْلِ، وَ جَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ، وَ طَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ، وَ يَمَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ.»

4. War



امنیت پایدار در خطبه ۲۷ چنین تبیین می‌کنند: ^۱ «و اما بعد، جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند روی بندگان خاص خود گشوده است. جهاد جامه پرهیزگاری و جوشن استوار خدایی و سپر ستبر اوست» (خطبه ۲۷، فراز ۱).

در خصوص جلوگیری از غافلگیر شدن نظام در این حوزه به کارگزاران و مردم کوفه در خطبه ۲۶ توصیه می‌کنند: ^۲ «برای جنگ آماده شوید و ساز و برگ نبرد مهیا دارید که آتش کارزار افروخته شده و شعله آن بالا گرفته است» (خطبه ۲۶ فراز ۵). حضرت در خصوص طرح‌ریزی جنگ برای اجرای فرمان الهی در خطبه ۵۳ می‌فرمایند: ^۳ «زیر و روی کار را بررسی کردم (به گونه‌ای که خواب از چشمم ربود). دیدم یا باید با این قوم بجنگم یا آنچه را محمد (ص) آورده انکار کنم. پس جنگ با آنان را از عذاب خدا آسان‌تر یافتم که رنج‌های این جهانی، تحمل‌پذیرتر از عذاب‌های آن جهانی است» (خطبه ۵۳، فراز ۳).

۲. صلح^۴

صلح همانند جنگ در نهج‌البلاغه از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته است از جمله روشنگری: ^۵ «اما اینکه می‌گویند که چرا در این داوری مدت معین کردی؟ از این رو، چنین کردم تا در این مدت آنکه جاهل است حقیقت را دریابد و آنکه داناست در اعتقاد خود ثابت‌قدم شود و شاید خداوند در این مدت دست بازداشتن از جنگ، کار امت را به صلاح آورد» (خطبه ۱۲۵، فراز ۵). دوم، پای‌بندی به صلح به عنوان یک عهد الهی: ^۶ «این پیمان‌نامه‌ای است که اهل یمن و مردم ربیعه، چه آنها که شهرنشین‌اند، و چه آنها که بیابان‌نشین‌اند، بر آن توافق کرده‌اند که از کتاب خدا پیروی

۱ . «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جَنَّةُ الْوَثِيقَةِ.»

۲ . «... فَخَذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا وَ أَعْدُوا لَهَا عِدَّتَهَا فَقَدْ شَبَّ لَطَاهَا وَ عَلَا سَنَاها وَ اسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَيْهَا نَصْرٌ.»

۳ . «... وَ قَدْ قَلْبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنُهُ وَ ظَهَرَهُ حَتَّى مَنَعَنِي التَّوَمَ فَمَا وَجَدْتُنِي بِسَعْنِي إِلَّا قَتَالَهُمْ أَوْ الْجُحُودَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (ص) فَكَانَتْ مَعَالِجَةَ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَعَالِجَةِ الْعِقَابِ وَ مَوَاتَاتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوَاتَاتِ الْآخِرَةِ.»

4. Peace

۵ . «وَ أَمَّا قَوْلُكُمْ: لِمَ جَعَلْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ أَجَلًا فِي التَّحْكِيمِ؟ فَإِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ لِتَيِّبَتِ الْجَاهِلُ، وَ يَتَشَبَّهَتِ الْعَالِمُ، وَ لَعَلَّ اللَّهُ أَنْ يُصَلِّحَ فِي هَذِهِ الْهُدْنَةَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ.»

۶ . «ذَا مَا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ الْيَمَنِ حَاضِرُهَا وَ بَادِيَهَا، وَ رَبِيعَةُ حَاضِرُهَا وَ بَادِيَهَا أَنَّهُمْ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ، يَدْعُونَ إِلَيْهِ، وَ يَأْمُرُونَ بِهِ.»

کنند و مردم را به آن فراخوانند و از مردم بخواهند که آن را بپذیرند» (نامه ۷۴، فراز یکم). در فرازی دیگر از این نامه شاخص فوق چنین تبیین شده است: «گروهی گروه دیگر را نشکنند و بر آن گواه است، آنکه از ایشان حاضر است یا غایب است و هر که سفیه است یا داناست و هر که بردبار است و هر که نادان است. عهد و پیمان خدا در این عهدنامه بر عهده شماس است و از پیمان خدا سؤال خواهند کرد» (نامه ۷۴، فراز ۳). سوم، قبول صلح به منظور خشنودی خدا و مصلحت نظام که در نامه ۵۳ این شاخص چنین توصیف شده است: «اگر دشمن تو را به صلح فراخواند، از آن روی برمتاب که خشنودی خدای در آن نهفته است. صلح سبب برآسودن سپاهیان شود و تو را از غم و رنج برهاند و کشور را امنیت بخشد» (نامه ۵۳، فراز ۱۳۲).

۳. دشمن^۲

حضرت در خصوص توجه به دشمن و آگاهی از تحرکات او پیوسته کارگزاران حکومت را هشدار می‌دادند و همواره خود به عنوان هدایت‌گر نظام سیاسی این مهم را مد نظر داشتند. چند توصیه حضرت علی (ع) در این خصوص به شرح زیر است:

الف) حفظ هوشیاری و زیر نظر داشتن تحرکات دشمن پس از انعقاد صلح
«زنهار، از دشمن پس از پیمان صلح، از دشمن برحذر باش و نیک برحذر باش، زیرا دشمن چه بسا نزدیکی کند تا تو را به غفلت فرو گیرد. پس دوراندیشی را از دست منه و حسن ظن را به یک سو نه و اگر میان خود و دشمنت پیمان دوستی بستی و امانش دادی، به عهد خویش وفا کن و امانی را که داده‌ای، نیک، رعایت نمای» (نامه ۵۳، فراز ۱۲۳).

ب) هوشیاری نسبت به وضعیت، توان رزم و تحرکات دشمن
خطبه ۱۰ این شاخص را این‌گونه ترسیم کرده است: «آگاه باشید که شیطان حزب خود را گرد آورده و سواران و پیادگانش را بسیج کرده است. همان بصیرت دیرین

۱. «لَا يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ لَمْعَتَيْ عَاتِبٍ، وَلَا لَغَضِبِ غَاضِبٍ، وَلَا لَأَسْتَدْلَالَ قَوْمِ قَوْمًا، وَلَا لِمَسْبِيَةِ قَوْمِ قَوْمًا عَلَى ذَلِكَ شَاهِدُهُمْ وَ عَانِبُهُمْ وَ سَفِيهِهُمْ وَ عَالِمُهُمْ وَ حَلِيمُهُمْ وَ جَاهِلُهُمْ، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْهِمْ بِذَلِكَ عَهْدًا اللَّهُ وَ مِيثَاقَهُ إِنَّ عَهْدَ اللَّهِ كَانَ مَسْئُولًا.»

2. Enemy

۳. «أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ وَ إِنَّ بَصِيرَتِي لَمَعَى مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي وَ لَا لَبَسَ عَلَيَّ وَ أَيُّمُ اللَّهُ لَا فَرِطَنَ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَاتِحُهُ لَا يَصْدُرُونَ عَنْهُ وَ لَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ.»



هنوز هم با من است. چنان نیستم که چهره حقیقت را نبینم و حقیقت نیز بر من پوشیده نبوده است. به خدا سوگند بر ایشان گودالی پر آب کنم، که چون در آن افتند، بیرون شدن نتوانند و چون بیرون آیند، هرگز، هوس نکنند که بار دیگر در آن افتند» (خطبه ۱۰).

ج) هوشیاری نسبت به ترتیب نیروی دشمن و اهداف او از انجام مانورش «آگاه باشید که شیطان حزب خود را برانگیخته و سپاه خویش بسیج کرده است تا بار دیگر ستم در جای خود مستقر شود و باطل به جایگاه خود بازگردد»^۱ (خطبه ۲۲، فراز ۵).

د) محور اقدامات سپاه اسلام در شرایط سخت نبرد «هنگامی که کارزار سرخ می‌شد، ما خود را در پناه رسول الله (ص) حفظ می‌کردیم و از میان ما کسی نزدیک‌تر از او به دشمن نبود»^۲ (کلمات قصار ۶).

ه) اهداف راهبردی جنگ در اسلام و چشم‌پوشی از توانایی‌های دشمن در نبرد «پرسیده بودی که در پیکار با این قوم چه راهی دارم؟ به خدا سوگند با این مردم پیمان‌شکن می‌جنگم تا خدا را دیدار کنم. افزونی اطرافیان بر عزتم نیفزاید و پراکنده‌شدنشان به وحشتم نیفکند»^۳ (نامه ۳۶، فراز ۵).

و) اقدامات لازم برای موفقیت در نبرد «ایشان از باورهای خود بازنگردند، مگر آنگاه که ضربت‌های پی در پی نیزه‌ها بدن‌هایشان را سوراخ کند؛ چنان‌که نسیم از آنها بگذرد و سرهایشان بشکافد و استخوان‌هایشان خرد گردد و دست‌ها و پاهایشان به اطراف پراکنده شود و لشکرها دسته دسته از پی هم بر آنها بتازند و سوارانی که از هر سوی روی آورده‌اند بر سرشان هجوم آورند و لشکرهای

۱ . «أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَاسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَرَجَلَهُ وَإِنْ بَصِيرَتِي لَمَعِي مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي وَ لَا لَبَسَ عَلَيَّ وَ إِيْمَ اللَّهِ لِأَفْرَطَنَ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَاتِحُهُ لَا يَصُدُّوْنَ عَنْهُ وَ لَا يَعُوْدُونَ إِلَيْهِ.»
 ۲ . «كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ.»
 ۳ . «... أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ رَأْيِي فِي الْقِتَالِ، فَإِنَّ رَأْيِي يَقْتَالُ الْمُجَلِّينَ حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ، لَا يَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَ لَا تَفَرُّقَهُمْ عَنِّي وَحْشَةً.»

گران به شهرهایشان روانه گردد و سراسر بلادشان در زیر ستم ستوران کوبیده شود و گرداگرد مراتع و چراگاه‌هایشان را فرو گیرند»^۱ (خطبه ۱۲۴، فراز ۱۰-۸).

عدالت

نظر به نقشی که عدالت^۲ در برقراری امنیت در ابعاد مختلف دارد، حضرت بر پای‌بندی مردم و مسئولان به این ارزش الهی تأکید فراوان داشته و مهم‌ترین محور عدالت را در نظم اسلامی امام جامعه می‌دانند و می‌فرمایند: «بدان که بهترین مردم نزد خداوند پیشوای دادگری است که خود هدایت یابد و مردم را هدایت کند. سنت شناخته‌شده را برپا دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند. سنت‌ها روشن است و نشانه‌هایش برپاست و بدعت‌ها آشکار است و نشانه‌هایش برپا» (خطبه ۱۶۳، فراز ۵). این شاخص چنان اهمیت و نقشی در ایجاد و ارتقای امنیت پایدار دارد که حضرت بر رعایت آن در حق دشمنان هم تأکید می‌ورزند. در خطبه ۴۸ این شاخص چنین توصیه شده است: «بدانید که نباید به قصاص خون من جز قاتلم کشته شود. بنگرید اگر من از این ضربت که او زده است کشته شوم، شما نیز یک ضربت بر او زنید» (نامه ۴۸، فراز ۹). حضرت در نامه ۵۳ عدالت را به عنوان شاخص امنیت پایدار به مالک اشتر چنین توصیه می‌فرمایند: «همانا برترین روشنی چشم زمام‌دار برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به حکومت است که محبت دل‌های رعیت جزء با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید (نامه ۵۳، فراز ۵۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ . «إِنَّهُمْ لَنْ يَزُولُوا عَنْ مَوَاقِفِهِمْ دُونَ طَعْنِ دِرَاكٍ، يَخْرُجُ مِنْهُ النَّسِيمُ وَ ضَرْبُ يَفْلُقُ الْهَامَ، وَ يُطِيحُ الْعِظَامَ، وَ يُنْدِرُ السَّوَاعِدَ وَ الْأَقْدَامَ، وَ حَتَّى يُرْمُوا بِالْمَنَاسِرِ تَتَّبِعُهَا الْمَنَاسِرُ، وَ يَرْجُمُوا بِالْكَتَائِبِ تَقْفُوهَا الْحَلَابِبُ، وَ حَتَّى يَجْرَ بِبِلَادِهِمُ الْخَمِيسُ يَتْلُوهُ الْخَمِيسُ وَ حَتَّى تَدْعَقَ الْخَيُْولُ فِي نَوَاحِرِ أَرْضِهِمْ، وَ بِأَعْيَانِ مَسَارِبِهِمْ وَ مَسَارِحِهِمْ.»

2 . justice

۳ . «فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدًى وَ هَدًى، فَأَقَامَ سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ، وَ أَمَاتَ بِدَعَاةٍ مَجْهُولَةٍ، وَإِنَّ السُّنَنَ لَنَنْبِيَّةٍ لَهَا أَعْلَامٌ، وَ إِنَّ الْبِدْعَ لظَاهِرَةٌ لَهَا أَعْلَامٌ.»

۴ . «أَلَا لَا يَقْتُلُنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي أَنْظَرُوا إِذَا أَنَا مَتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَذِهِ فَاضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَتِهِ وَ لَا يَمْتَلُ بِالرَّجْلِ فَإِنِّي.»

۵ . «وَ إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَ ظُهُورِ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ وَ إِنَّهُ لَا تَطْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ.»



تهدیدهای امنیتی

براساس الگوی تهدیدشناسی، تهدیدها زمانی معنا و مصداق پیدا می‌کنند که ارزش یا ارزش‌های قابل توجه و مهمی در معرض نابودی یا ضرر قرار گیرند. اهم این ارزش‌ها شامل امنیت، منافع و قدرت ملی است. نظر به اینکه تحقق امنیت در یک واحد سیاسی با مؤلفه‌های قدرت ملی ارتباط تنگاتنگ دارد، در این بخش از نوشتار تهدیدهای متوجه ابعاد قدرت ملی از منظر نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. بُعد سیاسی قدرت

حوزه سیاسی یکی از حوزه‌های وسیع، پیچیده و تا حدودی مبهم است. بعد سیاسی قدرت، بازیگران متعددی دارد. در این حوزه مهم‌ترین و اصلی‌ترین بازیگر دولت است. به عبارت دیگر، قدرت دولت شاخص و معرف قدرت سیاسی^۱ است. قدرت سیاسی شامل توانایی‌های دولت در تأمین اهداف و منافع داخلی و خارجی است. این بُعد قدرت شاخص‌های متعددی دارد که اهم آنها عبارت‌اند از: ثبات سیاسی، امنیت داخلی، کارایی دولت، حاکمیت مؤثر، شکل دولت، رهبری و مدیریت سیاسی، انسجام و همبستگی نخبگان، توانایی تعیین هدف، تأثیرگذاری بر موقعیت بین‌المللی، مذاکرات با سایر سازمان‌ها و دولت‌ها و... . شاخص‌های تهدید در این حوزه شامل بی‌ثباتی سیاسی، کاهش یا فقدان مشروعیت، کاهش یا فقدان مشارکت، فقدان یا ضعف انسجام و همبستگی، کاهش نفوذ حاکمیت... است که به دلیل محدودیت فقط به چند شاخص از شاخص‌های تهدید این حوزه از منظر نهج‌البلاغه اشاره می‌شود:

الف) عدم انسجام سیاسی

«به بقای خداوند سوگند که افروختن آتش جنگ را، چه نامناسب مردمی هستید. شما را می‌فریبند و شما فریب دادن نتوانید. دشمن زمین‌هایتان را یک یک می‌گیرد و به خشم نمی‌آید. چشم دشمن همواره در شما می‌نگرد و شما به خواب غفلت و بی‌خبری رفته‌اید. به خدا سوگند، آنان که یکدیگر را وا گذاشتند و یاری نکردند مغلوب شدند»^۲ (خطبه ۳۴، فراز ۵-۴).

1 . Policy Power

۲ . «لَيْسَ لَعَمْرُ اللَّهِ سَعْرُ نَارِ الْحَرْبِ أَنْتُمْ، تُكَادُونَ وَ لَا تَكِيدُونَ، وَ تُنْتَقَصُ أَطْرَافَكُمْ فَلَا تَمْتَعُونَ، لَا يُنَامُ عَنْكُمْ وَ أَنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ سَاهُونَ! غَلَبَ وَ اللَّهُ الْمُتَخَادِلُونَ، وَ إِيْمُ اللَّهِ إِيْنِي لِأَظُنُّ بِكُمْ أَنْ لَوْ حَمَسَ الْوَعَى، وَ اسْتَحَرَ الْمَوْتَ قَدِ انْفَرَجْتُمْ عَنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ انْفِرَاجَ الرَّأْسِ.»

ب) کاهش مشروعیت

«اما بعد، بدانید که نافرمانی نیکخواه مهربان و دانای تجربه‌آموخته موجب حسرت است و پشیمانی در پی دارد»^۱ (خطبه ۳۵، فراز ۲).

ج) کاهش مشارکت

«این است جزای کسی که آنچه را که بر آن پیمان بسته به کار نبندد. به خدا سوگند هنگامی که شما را فرمان دادم به آنچه فرمان دادم، شما را به کاری ناخوشایند واداشتم ولی کاری بود که خدا خیر شما را در آن نهاده بود»^۲ (خطبه ۱۲۱، فراز ۱).

۲. بُعد اقتصادی قدرت

اقتصاد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی است و نوسانات آن تأثیر حیاتی در قدرت ملی دارد. برای ارزیابی نوسانات این بُعد، کارشناسان اقتصاد شاخص‌هایی را تعیین کرده‌اند که اهم آنها عبارت‌اند از: رشد اقتصادی، سطح فساد اقتصادی، نرخ سرمایه‌گذاری، سطح تولید، وضع پول، سطح رفاه عمومی، نرخ تجارت ... بر این حوزه همانند حوزه سیاسی قدرت تهدیدهایی مترتب است که اهم آنها عبارت‌اند از: تحریم اقتصادی، نرخ بالای فساد اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت، احتکار کالا، کاهش رفاه عمومی، اختلال در گردش پول، وجود قدرت‌های برتر اقتصادی، اختلال در تولید، تضعیف منابع و ... بعضی شاخص‌های تهدید این حوزه از منظر نهج‌البلاغه به شرح زیر است:

الف) احتکار

«در کارشان نظر کن، خواه در حضرت تو باشند یا در شهرهای تو. با این همه بدان که بسیاری از ایشان را روشی ناشایسته است و حریص‌اند و بخیل. احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود قیمت می‌گذارند. با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب‌اند. پس از احتکار منع کن که رسول الله (ص) از آن منع کرده است و باید خرید و فروش به آسانی صورت گیرد و بر موازین عدل، به گونه‌ای

۱. «أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجَرَّبِ تُورَثُ الْحَسْرَةَ وَ تُعْقِبُ النَّدَامَةَ.»
 ۲. «هَذَا جَزَاءٌ مَنْ تَرَكَ الْعُقْدَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَتَى جِنَانًا مَرَّتَكُمْ بِمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ حَمَلْتُكُمْ عَلَى الْمَكْرُوهِ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا.»



که در بها، نه فروشنده زیان ببندد و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آنکه احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد، ولی کار به اسراف نکشد»^۱ (نامه ۵۳، فراز ۹۹).

ب) تضعیف توان اقتصادی

«چون فرصت به دست آوردی به مردم خیانت کردی و شتابان، تاخت آوردی و برجستی و هر چه میسرت بود از اموالی که برای بیوه‌زنان و یتیمان نهاده بودند، برگرفتی و بربودی آن سان که گرگ تیزچنگ بز مجروح را می‌رباید. اموال مسلمانان را به حجاز بردی، بادلی آسوده، بی‌آنکه خود را در این اختلاس گناهکار پنداری»^۲ (نامه ۴۱، فراز ۵).

۳. بعد فرهنگی - اجتماعی

حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی دارای اشتراکات و در عین حال تمایزاتی هستند که به دلیل محدودیت‌ها در این نوشتار به صورت مشترک و ترکیبی مورد بررسی قرار می‌گیرند. برای ارزیابی نوسانات این بُعد، کارشناسان مربوط شاخص‌هایی تعیین کرده‌اند که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است: توانایی یک ملت برای توسعه و اشاعه ایده خود به سایر ملت‌ها، توانایی یک ملت برای به کارگیری نمادهای فرهنگی خود مانند زبان بین سایر ملت‌ها، کمیت و کیفیت جمعیت، درجه تجانس قومی، مذهبی و نژادی، درجه سواد و تحصیلات، نرخ تولید و مصرف محصولات فرهنگی مانند کتاب، مطبوعات، وضع روحی، افتخارات، خصلت‌هایی مانند بردباری، شجاعت، تسامح، میزان نفوذ ایدئولوژی، میراث فرهنگی و تاریخ ملت، و وضع رفاه اجتماعی. در این دو حوزه هویت^۳ می‌تواند نقش مرکزی ایفا کند، چون هم نقطه تلاقی دو حوزه محسوب

۱ . «و تَفَقَّدَ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ وَ اعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحْشَا وَ شَحًا قَبِيحًا وَ اخْتَكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبَيَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوعٌ لِلْعَامَّةِ وَ غَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ. فَامْنَعْ مِنَ الْاِخْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ وَ لِيَكُنَ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمِيحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُحْجَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنْ وَاعُونَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شَرْطِكَ حَتَّى يَكَلِمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَمَتِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تَقْدِسَ أُمَّةٌ لَّا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرَ مُتَمَتِّعٍ.»

۲ . «فَلَمَّا امْتَكَنَتْكَ الشَّدَّةُ فِي خِيَابَةِ الْأُمَّةِ أَسْرَعْتَ الْكِبْرَةَ وَ عَاجَلْتَ الْوَثْبَةَ وَ اخْتَطَفْتَ مَا قَدَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمُ الْمَصُونَةَ لِأَرْمَلِهِمْ وَ أَيْتَامِهِمْ اخْتِطَافَ الذُّبِّ الْأَزْلَ دَامِيَةَ الْمِعْزَى الْكَسِيرَةَ، فَحَمَلْتَهُ إِلَى الْحِجَازِ رَحِيبَ الصَّدْرِ تَحْمِلُهُ غَيْرَ مُنَاقِمٍ مِنْ أَخَذٍ.»

می‌شود و هم ظرفیت بالایی برای تشریح عناصر قدرت دو حوزه فوق دارد. با توجه به تجزیه و تحلیل هویت، مهم‌ترین تهدیدهای این بُعد عبارت‌اند از: متأثر شدن اعتقادات و باورها از اعتقادات متعارض، ضعف کارکرد زبان ملی، کاهش انسجام و تجانس اجتماعی، و تغییرات شدید جمعیتی که به بعضی شاخص‌های تهدید این حوزه از منظر نهج‌البلاغه اشاره می‌شود:

الف) اعتقادات و باورهای انحرافی

«جز این نیست که آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هواهای نفسانی است و نیز بدعت‌هایی که گذاشته می‌شود، و برخلاف کتاب خداست»^۱ (خطبه ۵۰، فراز ۱).

ب) کاهش انسجام و تجانس

«ای مردمی که به تن‌ها مجتعیید و به آرا پراکنده، سخت‌ان - هنگامی که لاف دلیری می‌زنید - صخره‌های سخت را نرم می‌کند، در حالی که کردارتان دشمنانتان را در شما به طمع می‌اندازد»^۲ (خطبه ۲۹، فراز ۱).

ج) انحرافات در باورها و اعتقادات

«ای مردم، آنچه بیش از هر چیز دیگر می‌ترسم که بدان گرفتار آیید، دو چیز است: از هوا و هوس پیروی کردن و آرزوهای دراز در دل پروردن. پیروی هوا و هوس از حق منحرف می‌کند و آرزوهای دراز، آخرت را از یاد می‌برد»^۳ (خطبه ۴۲).

۴. بُعد نظامی قدرت

این حوزه که از حساس‌ترین حوزه‌های قدرت ملی^۴ تلقی می‌شود با حوزه سیاسی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد، لذا در مطالعات امنیتی موضوعات امنیت در هر دو حوزه به دولت و حاکمیت ارجاع داده می‌شود. در حوزه نظامی مؤلفه‌های قدرت بر موضوعاتی چون نیروهای مسلح متمرکز است. برای ارزیابی نوسانات این بُعد به شاخص‌هایی که کارشناسان مربوط تعیین کرده‌اند، اشاره می‌شود: منابع مالی و بودجه نیروهای مسلح،

۱. «نَمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءَ تَتَّبَعُ وَأَحْكَامَ تُبْنِدَعِيخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ.»

۲. «الَّتِاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ كَلَامُكُمْ يُوْهِى الصَّمَّ الصَّلَابَ وَ فِعْلُكُمْ يُطْمِعُ فِیْكُمْ الْأَعْدَاءَ!»

۳. «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَیْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى، وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيُصِدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ.»



کمیت و کیفیت نیروی انسانی، تجهیزات، وسایل و تسلیحات، کیفیت فرماندهی، توانایی رزمی، کیفیت روابط کشوری و لشکری، توان بسیج نیروها، و پهنه و عمق جغرافیایی. بر اساس مطالعات امنیتی در بعد نظامی مرکز ثقل تهدیدها در این حوزه «اقتدار بلامنازع نیروهای مسلح» است که به طور طبیعی با حاکمیت و تمامیت ارضی گره خورده است. شاخص‌های تهدید این حوزه عبارت است از: کاهش بودجه، تضعیف نیروی انسانی، مخدوش شدن وحدت و یکپارچگی، حمله نظامی، برهم خوردن تعادل قوا در کشورهای دیگر، مخدوش شدن تمامیت ارضی، و وابستگی نظامی. بعضی شاخص‌های تهدید این حوزه از منظر نهج‌البلاغه به شرح زیر است:

الف) ناکارآمدی فرمانده

«تو به مثابه پلی شده‌ای که هر کس از دشمنان بخوهد بر دوستانت تاخت آورد، از آن پل می‌گذرد. چگونه است که تو را توان هیچ کاری نیست و کس را از مهابت تو بیمی به دل نیست. مرزی را نتوانی بست و بر شوکت دشمن شکست نتوانی آورد. نه نیاز مردم شهر را بر می‌آوری و نه فرمانده خود را خشنود توانی ساخت. والسلام» (نامه ۶۱، فراز ۳).

ب) ضعف نیروی انسانی

«... زیرا آنها با آنکه بر باطل‌اند، دست در دست هم دارند و شما با آنکه بر حق هستید، پراکنده‌اید. شما امامتان را که حق با اوست، نافرمانی می‌کنید و آنان پیشوای خود را با آنکه بر باطل است، فرمانبردارند. آنان با بیعتی که با پیشوای خود کرده‌اند، امانت نگه می‌دارند و شما خیانت می‌ورزید. آنان در شهرهای خود اهل صلاح و درستی هستند و شما اهل فساد و نادرستی»^۱ (خطبه ۲۵، فراز ۲).

ج) تفرقه ملی

«وقتی می‌نگرم که شما را آماج تاخت و تاز خود قرار می‌دهند و از جای نمی‌جنبید، بر شما می‌تازند و شما برای پیکار دست فرا نمی‌کنید، می‌گویم که ای قباحت و ذلت

۱ . «أُنْبِئْتُ بَسْرًا قَدْ أَطَّلَعَ الْيَمْنَ وَ إِنِّي وَ اللَّهُ لَأَطُنُّ أَنْ هُوَ لَاءِ الْقَوْمِ سَيِّدَالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِأَطْلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنِّي حَقِّكُمْ، وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ، وَ بِأَدَائِهِمْ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَ خِيَانَتِكُمْ وَ بِلَاغِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَ فُسَادِكُمْ.»

نصیبتان بادا خدا را معصیت می‌کنند و شما بدان خوشنودید»^۱ (خطبه ۲۷، فراز ۹).

د) فقدان حمیت ملی

«به بقای خداوند سوگند که افروختن آتش جنگ را، چه نامناسب مردمی هستیید. شما را می‌فریبند و شما فریب دادن نتوانید. دشمن زمین‌هایتان را یک می‌گیرد و به خشم نمی‌آیید. چشم دشمن همواره در شما می‌نگرد و شما به خواب غفلت و بی‌خبری رفته‌اید. به خدا سوگند، آنان که یکدیگر را واگذاشتند و یاری نکردند مغلوب شدند.»

امنیت

برای ارائه پاسخی مستدل و منطقی به سؤال دوم که «امنیت راهبردی در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج‌البلاغه چیست؟» به کمک سؤال‌های فرعی و براساس نهج‌البلاغه اقدام به پاسخ‌دهی شد.

از منظر نهج‌البلاغه، امنیت برای همه کس و همه چیز حایز اهمیت است، زیرا در سایه چنین امنیتی زمینه سعادت انسان مهیا خواهد شد، لذا حضرت همواره امنیت همه‌جانبه را به رهبران و کارگزاران حکومتی توصیه می‌کردند. در این بخش به سه بُعد از امنیت که حضرت همواره توصیه می‌کردند، اشاره می‌شود:

۱. امنیت غیرمسلمان

این شاخص در نامه ۱۹ چنین تبیین شده است:^۲ «چون در پناه اسلام‌اند نشاید که آنان را برانی یا بر ایشان ستم روا داری. پس شعار خود ساز، درشتی کردن را آمیخته به نرم‌خویی و روشی پیش‌گیر، میان شدت و رأفت. گاه آنها را به خود نزدیک نمای و گاه از خود دور دار، اگر خدا خواهد» (نامه ۱۹، فراز ۲-۱).

۲. امنیت حیوانات

این شاخص امنیت در فرازی از نامه ۲۵ چنین تبیین شده است:^۳ «... و به نگهداری آنها مگمار، مگر مردی نیکخواه و مهربان و امین را که نیکو نگهبانی کند. کسی که با

۱. «بُعَارَ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ لَا تَعْرُونَ وَ يُعْصَى اللَّهُ وَ تَرْضُونَ»
 ۲. «وَ لَا أَنْ يُفْصُوا وَ يُجْفُوا لِعَهْدِهِمْ، فَالْبَسْ لَهُمْ جَلْبَابًا مِنَ اللَّيْنِ تَشْوِبُهُ بَطْرَفٌ مِنَ الشَّدَّةِ وَ دَاوِلٌ لَهُمْ بَيْنَ الْقَسْوَةِ وَ الرَّأْفَةِ وَ امْرُجْ لَهُمْ بَيْنَ التَّقْرِبِ وَ الْإِدْنَاءِ وَ الْإِبْعَادِ وَ الْإِقْضَاءِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»
 ۳. «لَا تُؤْكَلْ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا شَفِيقًا وَ أَمِينًا حَفِيزًا، غَيْرَ مُعْنِفٍ وَ لَا مُجْحِفٍ وَ لَا مُلْغِبٍ وَ لَا مُتْعِبٍ»



ستوران درشتی نکند و آنها را تند نراند و خسته‌شان نگرداند. پس، هر چه گرد آورده‌ای، زود به نزد ما فرست تا ما نیز در جایی که خداوند مقرر فرموده، صرف کنیم» (نامه ۲۵، فراز یکم).

۳. امنیت مسلمان

این شاخص در نامه ۵۱ چنین تبیین شده است: ^۱ «کسی را که نیازی دارد، در برآوردن آن درنگ مکنید آن سان که به خشم آید و او را از مطلوبش باز ندارید و برای گرفتن خراج، جامه تابستانی و زمستانی مردم را یا ستوری که با آن کار می‌کنند یا بنده آنها را مفروشید و هیچ‌کس را برای درهمی تازیانہ نزنید و دست به مال هیچ‌کس، چه مسلمان و چه ذمی، نبرید» (نامه ۵۱، فراز ۴-۳).

از منظر نهج‌البلاغه، امنیت باید در مقابل دشمنان انسی و مکر شیاطین برقرار شود تا از این رهاورد انسان قادر به کسب مقام قرب الهی شود. در خصوص مقابله با دشمنان انسی حضرت می‌فرماید: ^۲ «لشکرها به فرمان خدا دژهای استوار رعیت‌اند (مردم را از حملات دشمنان مصون می‌دارند و امنیت را برای جامعه برقرار می‌کنند) و زینت والیان و حاکمان هستند (زمینه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری منطقی را با حفظ و حراست از مرزها برای کارگزاران حکومت مهیا می‌کنند). با مجاهدت و تلاش مداوم و مستمر آنها دین الهی عزت می‌یابد (زمینه تحقق احکام الهی در جامعه مهیا می‌شود) و راه‌ها برای رشد و شکوفایی اقتصاد، تجارت و توسعه همه‌جانبه به وسیله آنها امن گردد و کار رعیت (عموم مردم) جز به مجاهدت و تلاش، و حراست (برقراری امنیت همه‌جانبه) جزء با استقامت این مجاهدان میسر نیست» (نامه ۵۳، فراز ۴۵-۴۴).

در نظام‌های سیاسی غیرالهی برقراری امنیت در راستای تأمین منافع فرد یا گروهی خاص محقق می‌شود. چون هدف امنیت تأمین منافع فرد یا گروه خاصی است، کارگزاران خود را مجاز به استفاده از هر وسیله یا ابزاری و در هر جهتی می‌دانند. اما در نظام سیاسی اسلام هدف و غایت امنیت تأمین سعادت انسان است. بر این اساس مدیران و کارگزاران حکومتی آزاد به استفاده از هر ابزار، وسیله و در هر جهت و سمت

۱ . «لَاتُخْسَمُوا أَحَدًا عَنْ حَاجَتِهِ، وَلَا تُخْبِسُوهُ عَنْ طَلِبَتِهِ، وَلَا تَبْيَعَنَّ لِلنَّاسِ فِي الْخِرَاجِ كِبْوَةَ شَتَاءٍ وَ لَأَصِيفَ وَ لَأَدَابُهُ يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا وَ لَأَعْبُدَا، وَ لَأَتَضَرَّبَنَّ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانٍ دَرْهَمٍ، وَ لَأَتَمَسَنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُضَلَّ وَ لَأَمْعَاهِدُ.»

۲ . «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زِينُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ»



و سو نیستند. حضرت در خصوص این شاخص در فرازی از خطبه ۵۵ می‌فرمایند: «اما اینکه می‌گویید که در پیکار با مردم شام دچار تردید شده‌ام، به خدا سوگند، هیچ‌گاه جنگ را حتی یک روز به تأخیر نینداختم مگر به آن امید که گروهی از مخالفان به من بپیوندند و به وسیله من هدایت شوند و با چشمان کم‌سوی خود پرتوی از راه مرا بنگرند و به راه آیند. چنین حالی را دوست‌تر دارم از کشتن ایشان در عین ضلالت، هرچند خود گناه خود به گردن گیرند» (خطبه ۵۵، فراز ۲-۱). در فرازی از خطبه ۲۰۵ این شاخص چنین تبیین شده است: «به من خبر دهید کدام حقی را از شما باز داشتم یا کدام سهمی را برای خود برداشتم، و بر شما ستم کردم؟ کدام شکایت حقی پیش من آورده شد که ضعف نشان دادم؟ کدام فرمان الهی را آگاه نبودم و راه آن را به اشتباه پیمودم؟ به خدا سوگند، من به خلافت رغبتی نداشته و به ولایت بر شما علاقه‌ای نشان نمی‌دادم. این شما بودید که مرا به آن دعوت و آن را بر من تحمیل کردید» (خطبه ۲۰۵، فراز ۳-۱).

سطوح امنیت

از منظر نهج‌البلاغه، امنیت یکی از نیازهای ضروری زندگی بشر در سطوح مختلف تلقی می‌شود که غفلت از آن سقوط انسان و جامعه را در همه ابعاد معنوی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... به همراه دارد؛ لذا ایجاد و ارتقای آن با در نظر گرفتن ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی از وظایف اساسی حکومت‌هاست. از منظر نهج‌البلاغه، امنیت در سطح معنوی زمینه‌ساز ایجاد امنیت در سایر سطوح است، لذا این مصحف شریف این سطح امنیت را بیش از سایر سطوح مورد تأکید قرار داده است. این بُعد و شاخص‌های آن در حکمت ۱۱۳ این‌گونه تبیین شده است: ^۳ «هیچ ثروتی

۱. «وَأَمَّا قَوْلُكُمْ: شَكَا فِي أَهْلِ الشَّامِ فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعْشُرُوا إِلَيَّ صُؤْيِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا وَ إِنْ كَانَتْ تَبُوءُ بِأَثْمَانِهَا.»
۲. «أَيُّ شَيْءٍ كَانَ لَكُمْ فِيهِ حَقٌّ دَفَعْتُمْ عَنْهُ؟ أَمْ أَيُّ قِسْمٍ اسْتَأْتَرْتُمْ عَلَيْنَا بِهِ؟ أَمْ أَيُّ حَقٍّ رَفَعْتُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ضَعَفْتُمْ عَنْهُ، أَمْ جَهَلْتُمْ، أَمْ أَخْطَأْتُ بَابَهُ؟ وَ اللَّهُ مَا كَانَتْ لِي فِي الْخِلَافَةِ رَغْبَةٌ، وَ لَا فِي الْوِلَايَةِ إِزْبَةٌ، وَ لَكِنَّكُمْ دَعَوْتُمُونِي إِلَيْهَا، وَ حَمَلْتُمُونِي عَلَيْهَا.»
۳. «لَا مَالٌ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ، وَ لَا وَحْدَةٌ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ وَ لَأَعْقَلُ كَالْتَدْبِيرِ، وَ لَا كَرَمٌ كَالْتَقْوَى، وَ لَا فَرِيحٌ كَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَ لَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ، وَ لَا قَائِدٌ كَالْتَوْفِيقِ، وَ لَا تِجَارَةٌ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ لَا رِيحٌ كَالثَّوَابِ، وَ لَا زَوْعًا لَوْ قُوفٍ عِنْدَ الشُّبُهَةِ، وَ لَا زَهْدٌ كَالزَّهْدِ فِي الْحَرَامِ، وَ لَا عِلْمٌ كَالْتَفْكَرِ، وَ لَا عِبَادَةٌ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ، وَ لَا إِيمَانٌ كَالْحَيَاءِ وَ الصَّبْرِ، وَ لَا حَسَبٌ كَالْتَوَاضُعِ، وَ لَا شَرَفٌ كَالْعِلْمِ وَ لَا عِزٌّ كَالْحِلْمِ وَ لَا مَظَاهِرَةٌ أَعُوْتُ بِهَا مِشَاوَرَةً.»



سودمندتر از عقل نیست؛ هیچ تنهایی وحشت‌انگیزتر از خودپسندی نیست؛ هیچ عقلی، چون اندیشیدن و تدبیر نیست؛ هیچ کرامتی چون تقوا نیست؛ هیچ هم‌نشینی چون خوش‌خویی نیست؛ هیچ میراثی چون ادب نیست؛ هیچ رهبری چون توفیق نیست؛ هیچ تجارتی چون عمل صالح نیست؛ هیچ سودی چون ثواب آخرت نیست؛ هیچ پارسایی چون توقف در برابر شبهه نیست؛ هیچ زهدی چون زهد در حرام نیست؛ هیچ ایمانی چون حیا و شکیبایی نیست و هیچ حسبی چون تواضع نیست؛ هیچ شرافتی چون علم نیست؛ و هیچ عزتی چون بردباری نیست؛ هیچ پشتیبانی استوارتر از مشورت نیست» (حکمت ۱۱۳). حضرت در این سخن قصار خود هم ابعاد امنیت معنوی را ترسیم و هم ابزار تحقق آن را تبیین می‌کنند تا با نهادینه شدن این سطح از معنویت در جامعه، امنیت واقعی در تمام سطوح جامعه شکل گیرد. در بُعد مادی امنیت حضرت هدف از تشکیل حکومت را در خطبه ۱۳۱ چنین تبیین می‌فرمایند: «بار خدایا، تو می‌دانی که آن کارها که از ما سر زد، نه برای هم‌چشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستمدیده‌ها در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد ...» (خطبه ۱۳۱، فراز ۴-۳). حضرت راهبرد نهادینه شدن ابعاد و سطوح امنیت در جامعه را در رهبری نظام سیاسی می‌دانند؛ لذا در فرازی از خطبه ۱۳۱ بخشی از ویژگی‌های رهبری نظام سیاسی را که مؤثر در نهادینه شدن امنیت همه‌جانبه است، به شرح زیر تبیین می‌فرمایند: «شما دانسته‌اید که سزاوار نیست کسی که بر ناموس‌ها و جان‌ها و غنیمت‌ها و احکام مسلمین ولایت دارد و پیشوایی مسلمانان بر عهده اوست، مردی بخیل و تنگ چشم باشد تا در خوردن اموال‌شان حریص شود و نیز والی نباید نادان باشد تا مردم را با نادانی خود گمراه سازد و نباید که ستمکار باشد تا روزی آنان را ببرد و نباید از گردش ایام بترسد تا گروهی را همواره بر گروه دیگر برتری دهد و نه کسی که در داوری رشوه می‌ستاند، تا رشوه‌گیرنده حقوق مردم را از میان برد و در بیان احکام و حدود الهی توقف کند و نه کسی که سنت را فرو می‌گذارد تا امت را به هلاکت اندازد» (خطبه ۱۳۱، فراز ۷-۵).



نتیجه‌گیری

از راهبردهای امنیتی که مکاتب و صاحب‌نظران این حوزه در عصر حاضر و ادوار گذشته ارائه کرده‌اند، این واقعیت تلخ استنباط می‌شود که این راهبردها در راستای تأمین منافع حزب یا گروهی خاص تدوین شده‌اند، لذا با اجرای این راهبردها حیات بشر همواره مورد تهدید قرار گرفته و انسان‌های زیادی به خاک و خون کشیده شده‌اند و ذخایر جهان چپاول شده است. گواه این ادعا در عصر حاضر حوادث و وقایع تلخ و ناگوار در بوسنی و هرزگوین، فلسطین، عراق، افغانستان، بحرین، خفقان در عربستان، فقر شدید در سومالی، فاصله طبقاتی در سراسر جهان و هزاران حادثه دیگر است. اما در راهبرد امنیتی در نظام سیاسی اسلام، همان‌گونه که اشاره شد، هر حرکت و اقدام نظامی در راستای سعادت انسان صورت می‌گیرد. سند این ادعا بیان گهربار حضرت امیر در خطبه ۱۳۱ که می‌فرمایند: «بار خدایا، تو می‌دانی که آن کارها که از ما سر زد، نه برای هم‌چشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم، بلکه خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد...» این راهبرد علاوه بر زمینه‌سازی کمال قرب الهی انسان، منطبق بودن با سعادت و فطرت انسان، مشروعیت بخشیدن به جهاد و ترویج روحیه استکبارستیزی، پنج ظرفیت را برای نظام اسلامی ایجاد می‌کند که با توجه به شاخص‌ها به شرح زیر است:

۱. ظرفیت‌سازی برای مقابله با تهدیدهای سخت: شاخص‌های عناصر راهبرد امنیتی از منظر نهج‌البلاغه از جمله: «لشکرها به فرمان خدا دژهای استوار رعیت‌اند (مردم را از حملات دشمنان مصون می‌دارند و امنیت را برای جامعه برقرار می‌کنند) و کار رعیت (عموم مردم) جز به مجاهدت و تلاش، و حراست (برقراری امنیت همه‌جانبه) جزء با استقامت این مجاهدان میسر نیست و راه‌ها برای رشد و شکوفایی اقتصاد، تجارت و توسعه همه‌جانبه به وسیله آنها امن گردد» شاخص‌هایی هستند که بهترین ظرفیت را برای مقابله با تهدیدهای سخت دشمن ایجاد کردند. بر مبنای همین راهبرد، حضرت امام خمینی (ره) در بخشی از پیام‌شان به ملت در خصوص دفاع مقدس می‌فرمایند: «... ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد...» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۴-۲۸۳).



۲. ظرفیت‌سازی برای مقابله با تهدیدهای نیمه‌سخت: شاخص‌های عناصر راهبرد امنیتی از منظر نهج‌البلاغه از جمله: «با مجاهدت و تلاش مداوم و مستمر آنها دین الهی عزت می‌یابد (زمینه تحقق احکام الهی در جامعه مهیا می‌شود) و زینت والیان و حاکمان‌اند (زمینه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری منطقی را با حفظ و حراست از مرزها برای کارگزاران حکومت مهیا می‌کنند)» بهترین ظرفیت را برای مقابله با تهدیدهای نیمه‌سخت دشمن ایجاد کردند. حضرت امام (ره) در خصوص این ظرفیت می‌فرماید: «ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.» در این خصوص در بخشی دیگر از همین پیام الهی خود می‌فرماید: «تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن چنانی برخوردار بود» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۴-۲۸۳).

۳. ظرفیت‌سازی برای مقابله با تهدیدهای جنگ نرم: شاخص‌های عناصر راهبرد امنیتی از منظر نهج‌البلاغه از جمله اسلامی بودن، ولایت‌محوری، حفظ کرامت حقوق و آزادی‌ها، توجه به آرای عمومی، حفظ استقلال، و حفظ وحدت و همبستگی بهترین ظرفیت را برای مقابله با تهدیدهای نرم دشمن ایجاد می‌کند. بر اساس همین ظرفیت حضرت امام (ره) در آن پیام الهی می‌فرماید: «ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم ... ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم...» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۴-۲۸۳). این ظرفیت‌سازی چنان عمیق و گسترده بود که موفق شد نظام جمهوری اسلامی را در راهبرد نبرد ناهمپراز دشمن در فتنه ۸۸ سربلند و سعادت‌مند بیرون آورد.

۴. ظرفیت‌سازی برای عمق‌بخشی داخلی: شاخص‌های عناصر راهبرد امنیتی از منظر نهج‌البلاغه از جمله ابزار تأمین‌کننده امنیت، اهداف و غایت امنیت، ابعاد امنیتی، قدرت، حاکمیت و حکومت، جنگ، صلح، دشمن، و نقش عدالت در جامعه و توجه به تهدیدهای امنیتی بهترین ظرفیت را برای عمق‌بخشی داخلی ایجاد می‌کند. نظر به این ظرفیت حضرت امام (ره) در آن پیام می‌فرماید: «... ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم...» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۴-۲۸۳).

۵. ظرفیت‌سازی برای عمق‌بخشی خارجی: شاخص‌های عناصر راهبرد امنیتی از منظر نهج‌البلاغه از جمله طرح تشکیل امت واحد جهانی، برقراری عدالت کامل و همه‌جانبه، تأمین سعادت بشر، رشد و تکامل واقعی انسان، نابودی ظلم و ستم و دفاع از مظلوم بهترین ظرفیت را برای عمق‌بخشی خارجی ایجاد می‌کند. نظر به



این ظرفیت، حضرت امام (ره) در آن پیام سراسر امید و جهانی خود می‌فرمایند: « ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر کرده‌ایم... صدای اسلام‌خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ماست... علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا، اروپا، آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست ... جنگ ما بیداری هندوستان و پاکستان را به دنبال داشت ... جنگ ما کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت ... جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت ... از همه اینها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت ...» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۴-۲۸۳).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آریان، عباس و منوچهر (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی به انگلیسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۷۴)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: انتشارات سمت.
- اسنایدر و دیگران (۱۳۷۵)، مواردی از مدیریت راهبردی، ترجمه علی شمخانی، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- بوفر، آندره (۱۳۶۶)، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- دانشگاه دفاع ملی (۱۳۸۷)، تهدیدهای قدرت ملی، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- دانشگاه دفاع ملی (۱۳۸۷)، نظریه امنیت، تهران: دانشگاه دفاع ملی.
- دشتی، محمد (۱۳۷۴)، ترجمه نهج‌البلاغه، قم: انتشارات لاهیجی.
- دیوید، فروید (۱۳۷۹)، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: مرکز ویژگی‌های فرهنگی.
- شیرزاد برزگر (۱۳۸۰)، چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- صفوی، سید محمد رضا (۱۳۸۶) ترجمه قرآن کریم، تهران: نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها.
- فیض الاسلام، سید علی نقی، (۱۳۶۵)، شرح نهج‌البلاغه، قم: انتشارات فقیه.
- قرآن کریم، ترجمه الهی قمش‌ای (۱۳۷۶)، قم: انتشارات لقا.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹)، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمش‌ای، قم: نشر محمد.
- کلارک، استیو (۱۳۸۶)، مدیریت استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی، ترجمه محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: مرکز پژوهش‌های فرهنگی.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۱۳ و ۲۱، تهران.